بهشت و جهنم در قرآن

(تفسیر موضوعی المیزان)



مشخصات کتاب

سرشناسه : کامرانیان، عباسعلی، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور : بهشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث/تالیف عباسعلی کامرانیان ؛ بانظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان، 1385.

مشخصات ظاهری : [250] ص.

شابک : 964-8399-88-3

وضعیت فهرست نویسی :

یادداشت : کتابنامه: ص [232 - 239] ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : دوزخ -- جنبه های قرآنی .

موضوع : بهشت (اسلام) -- جنبه های قرآنی .

موضوع : دوزخ -- احادیث.

موضوع : بهشت (اسلام) -- احادیث.

شناسه افزوده : بیستونی، محمد، 1337 -

رده بندی کنگره : BP222/65/ک2ب9 1385

رده بندی دیویی : 297/44

شماره کتابشناسی ملی : م85-45018

ص:1

اشاره

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاْئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّهِ اللّهِ فِی الاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الاْوْلِیاءَوَیامُذِلَ الاْعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الاْرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد

داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

ص:5

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

21 ربیع الثانی 1425

21 خرداد 1383

ابوالقاسم خزعلی

ص:6

قرآن کریم:

(در آخرت به زشتکاران خطاب شود که) این آتش (دوزخ باطن) همان اعمال زشتی است که(در دنیا)خودتان پیش فرستاده اید و(بدانید که)خداوند هرگز کمترین ستمی در حق بندگان نخواهد کرد.

(حج / 10)

دوزخ، شدیدترین کانون دائمی عذاب های روحی و جسمی است. این محل را، بدکاران، کفار، منافقان، ستمگران و گناهکارانی که از گناهان خویش توبه نکرده و در صدد جبران برنیامده اند، برای خویش آماده کرده اند.

شناخت دقیق چنین محل خطرناک و کمینگاه عظیمی اگر همراه با باور و یقین

مقدمه مؤلف

شود، انسان را به تفکر و تأمل و بازبینی اعمال و صالح سازی رفتار و دوری گزینی از

ص:7

گناهان و توبه و جبران، وا می دارد.

وقتی مجازات های سنگین و غیرقابل تحمل، طبقات و حفره های آتشین، گرزهای آهنین، آب های جوشان، شعله های سوزان، درخت زقوم، آتش های بُرنده، عذاب دائمی و شدید، حسرت های مداوم، خواری و ذلت فراوان، ناله های طولانی و دردناک، غل ها و زنجیرهای آتشین، چهره های زشت و سوخته، داغ کردن پشت و پهلو، پاره پاره شدن درون، همنشینی با شیاطین، سلول های انفرادی آتشین و ... را در نظر بگیریم، و بیندیشیم که دیر یا زود باید به سزای گناهانمان برسیم به یقین در رفتار و گفتارمان تجدید نظر خواهیم کرد! زیرا همه انسان ها، حب ذات دارند. خودشان را دوست دارند و نمی خواهند که به هیچ وجه، گرفتار شوند.

(10) بهشت و جهنم

بر همین اساس، وقتی درک واقعی از خطر گناهان و ظلم ها پیدا شود و انسان خود را در معرض خطر جدی ببیند، مطمئنا از آن حذر می کند.

ص:8

به دلیل آنچه گفته شد بر آن شدم تا با توکل به حضرت حق و استمداد از درگاه ربوبی آن عزیز بنده نواز و توسل به چهارده معصوم : در حد توان و بضاعت ناچیز خویش، به معرفی دوزخ بپردازم.

در این عرصه، نخست به تحقیق در قرآن کریم پرداخته و آیات مربوط به دوزخ را جدا کرده و به شرح و تفسیر آن ها براساس نظرات مفسرین بزرگ پرداختم.

سپس به بررسی نظرات ائمه اطهار و چهارده معصوم : درباره این آیات و نظرات آن ها درباره دوزخ پرداخته و نهایتا نیز با جمع بندی و نتیجه گیری از مجموعه مباحث، کار را به اتمام رساندم.

مقدمه مؤلف (11)

به یقین هنوز مطالب فراوان دیگری از هرجهت درباره دوزخ وجود دارد که باید توسط سایر پژوهشگران مورد بحث و بررسی دقیق و موشکافانه قرار گیرد، اما

ص:9

این کتاب نیز شاید توانسته باشد به حول و قوه الهی، گام کوچکی در شناساندن «دوزخ» و اعلام خطر به مؤمنان، مسلمانان، حتی کفار و مشرکان و منافقان و گناهکاران داشته باشد.

امید است که خداوند متعال با لطف عظیم و رحمت واسعه خویش این تلاش را از بنده ای شرمنده، قبول فرماید. مؤمنان گرانقدر نیز صاحب این قلم را از دعای خیر خویش محروم نفرمایند.

عباسعلی کامرانیان

(12) بهشت و جهنم

آذرماه 1385

تهران

مقدمه مؤلف (13)

امام علی علیه السلام :

چیزی مانند آتش جهنم ندیدم که فراریان از آن، چنین در خواب غفلت فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، (خطبه 28)

دوزخ آتشگاه عظیم

لعنت های همگامی و دائم

عذاب های متعددو همیشگی

مجازات های شدید

عدم امکان خروج

شعله های سوزان و فروزان

ص:11

(14) بهشت و جهنم

حل فوق العاده وحشت زا

خواری و ذلت بسیار

حیرت، ترس و اضطراب کشنده

ناله های طولانی و دردناک

زندان منحصر به فرد آتشین

غل ها و زنجیرهای گداخته

تش از بالا و پایین

درخت نفرت انگیز زقّوم

آب جوش جوش!

صید شدن ناگهانی توسط فرشتگان عذاب

ص:12

دوزخ آتشگاه عظیم (15)

چهره های سیاه و ترسناک

گرزهای سرخ شده

آب داغ و متعفن

دودهای متراکم و خفه کننده

بی یار و یاوری

عذاب عظیم

دوری از نعمت ها

داغ بر صورت و پشت و پهلو

صورت های سوخته و زننده توهین و بی اعتنایی کامل

(16) بهشت و جهنم

درگیری، دعوا، جنگ اعصاب و نفرین به هم!

ص:13

سر به زیری و پشیمانی الی الابد

نوشابه های سوزان و سیاه

ترسان و گریان و لرزان و ناامید

پاره پاره شدن درون

همنشینی با شیاطین ترسناک

بادهای سوزنده و مسموم

حرکت در بین آب و آتش!

چشمه های آب جوش وحشت زا

خارهای خشک، تلخ و بدبو

دوزخ آتشگاه عظیم (17)

آتش دل سوز پرلهیب

تحمل مأموران خشن و سخت گیر

ص:14

سلول انفرادی تنگ و آتشین

و ... کدام انسان عاقلی این ها را برای خود، فراهم می آورد؟!

اَلَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ امَنُوا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللّهِ وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ و...

آیا وقت آن نرسیده است که کسانی که ایمان آورده اند دل هایشان به یاد خداوند خاشع و خاضع گردد و به آنچه از سوی حق نازل شده توجه (جدی)کنند؟(1)

(18) بهشت و جهنم

آیا وقت اندیشیدن به گفتار و کردارمان فرا نرسیده است؟!

1- 16 / حدید

دوزخ آتشگاه عظیم (19)

امام علی علیه السلام :

چیزی مانند آتش جهنم ندیدم که فراریان از آن، چنین در خواب غفلت فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، (خطبه 28)

همه دوزخ را خواهند دید!

لَتَرَوُنَّ الجَحِیم

البته «پس از مرگ» دوزخ را مشاهده خواهید کرد.(1)

امام علی علیه السلام :

(20) بهشت و جهنم

پرهیزگاران جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش

ص:16

1- 6 / تکاثر .

گرفتارند:(1)

همه باید وارد دوزخ شوند

وَ اِنْ مِنْکُمْ اِلاّ وارِدُها کانَ عَلی رَبِّکَ حَتْما مَقْضِیّا. ثُمَّ نُنَجِّی الَّذینَ اتَّقُوْا وَ نَذَرُ الظّالِمینَ فیها جِثِیًّا

و هیچ کس از شما باقی نمی ماند مگر آن که باید وارد دوزخ شود و این حکم حتمی پروردگار توست. پس از ورود همه به دوزخ، ما پرهیزگاران را از آنجا نجات داده و ستمکاران را باقی می گذاریم تا در آتش به زانو درآیند.(2).

همه باید وارد دوزخ شوند (21)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده

1- نهج البلاغه، خ 193
2- 71 و 72 / مریم.

است که فرمودند: همه مردم وارد آتش می شوند، آنگاه به میزان اعمالشان از آن خارج می شوند؛ گروهی مثل برق، عده ای مثل باد، گروهی مانند اسب، عده ای مانند دویدن مرد و گروهی مانند راه رفتن عادی از آتش خارج می شوند.

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است: از جابربن عبدا... انصاری نقل شده است که درباره این آیه گفته است که: با گوش های خودم از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هیچ نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه وارد جهنم

می شود، آتش برای مؤمنان سرد و سالم خواهد بود همانگونه که بر ابراهیم علیه السلام بود. تا آنجا که آتش از شدت سردی فریاد می کشد، سپس خداوند

پرهیزکاران را نجات داده و ظالمان را در آن جا ذلیلانه باقی می گذارد[1].

اِنَّ جَهَنَّمَ کانَتْ مِرْصادا...

جهنم کمینگاهی بزرگ است!(2)

درباره کلمه «مرصاد» گفته اند که: به مکانی گفته می شود که

کمینگاه بزرگ (23)

مخصوص کمین کردن است. همچنین به معنی شخصی که بسیار کمین می کند نیز آمده است.

مفسرتفسیرنمونه نوشته است:

1- نمونه، ج 16، ص 119.
2- 21 / نبأ.

این که چه کسی در دوزخ در کمین طغیانگران است؟ گفته اند فرشتگان عذاب، زیرا طبق آیه 71 مریم همه انسان ها از بالای دوزخ عبور می کنند، در این گذرگاه عمومی و همگانی، فرشتگان عذاب در کمینند و دوزخیان را می ربایند!

... خود دوزخ (هم) در کمین آن هاست و هرکدام از طغیانگران به آن نزدیک می شوند، او را به سوی خود می کشاند و در کام خویش فرو می برد. به هرحال وقتی از این گذرگاه، عمومی سرکشان بگذرند، یافرشتگان عذاب آن ها را می ربایند و یا جاذبه شدید جهنم.(1)

(24) بهشت و جهنم

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که درباره این آیه و آیات بعدی فرموده اند:

1- تفسیرنمونه، ج 26، ص 42.

این آیه شدیدترین آیه ای است که در قرآن مجید درباره دوزخیان آمده است.(1)

امام علی علیه السلام : از آتشی بپرهیزید که حرارتش شدید و عمق آن ناپیدا و زیور آن غُلّ و زنجیر و آشامیدنی آن زردآب و چرک جوشان است.(2)

نام های 19گانه دوزخ و معانی آنها

واژه «جَهَنَّم» که معروف ترین نام دوزخ است 77 بار در قرآن کریم آمده است. همچنین نام مکان های متعدد جهنم در آیات متعدد قرآن کریم ذکر و تکرار

نام های 19گانه دوزخ و معانی آنها (25)

شده است که عبارتند از:

1 سَقَر: دوزخ 4 بار

ص:21

1- نهج البلاغه، خ 120 .
2- تفاسیر: کشاف، ج 4، ص 690، روح البیان، ج 10، ص 307 و صافی، ذیل آیه مربوطه.

2 نار: آتش 145 بار

3 سَعیر: شعله آتش 16 بار

4 جَحیم: آتش سوزان 25 بار

5 حُطَمَه: آتش خردکننده 2 بار

6 هاوِیَه: سیاهچال جهنم 1 بار

7 لَظی: آتش خالص 1 بار

8 بِئْسَ الْقَرار: بد جایگاه

9 بِئْسَ الْوِردُ المَوْرُودُ: بدجای واردشدنی است برای وارد شده

(26) بهشت و جهنم

10 اَلْحافِرَه: گودال

11 دارُ الْفاسِقینَ: خانه تبهکاران

ص:22

12 الشَّوی: نَزّاعَهٌ لِلشَّوی (70 / معارج): بسیار کننده پوست های بدن و اطراف بدن را

13 اَلْهاوِیَه: دوزخ (محل سقوط در آن)

14 بِئْسَ الْمَصیرُ: بدجای بازگشتی

15 اَلسّاهِرَه: خواب از چشم رباینده

16 السَّمُوم: باد بسیار سوزان

17 بِئْسَ الْمِهادِ: بد ازجهت گهوار بودن

18 دارُ الْبَوارِ: خانه نابودی

نام های 19گانه دوزخ و معانی آنها (27)

19 سُوءُالدّار(1): خانه بد

ص:23

1- دانستنی های قرآن، ص 130.

درهای دوزخ

لَها سَبْعَهُ اَبْوابٍ لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْؤٌ مَقْسُومٌ

برای دوزخ، هفت در است و از هردری عده ای معین از آن ها (کفار) وارد دوزخ می شوند(1).

بهشت هشت در دارد. به این ترتیب بهشت یک در بیشتر از دوزخ داشته و این امر، حکایت از رحمت واسعه الهی و سبقت رحمت حضرت حق بر

غضب او دارد.

اما درباره هفت در دوزخ به نظر می رسد که سه نکته قابل تأمل باشد:

1 منظور از هفت در، واقعا عدد هفت باشد و دوزخ دارای هفت در باشد

1- 44 / حجر .

که از هر دری گروهی وارد آن می شوند.

2 شاید بتوان گفت با توجه به این که عدد هفت به معنی بی نهایت هم استعمال می شود، درهای دوزخ فراوان است.(1)

3 بعضی ها «سَبْعُ اَبْواب» را به هفت طبقه دوزخ معنی کرده اند، حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: جهنم هفت در دارد، هفت

طبقه بالای بعضی قرار گرفته است، سپس یکی از دست های خود را روی دیگری قرار داد و فرمود: این طور.(2)

1- نمونه، ج11، ص 77؛ این قول را تأیید می کند.
2- مجمع البیان، ذیل این آیه.

وسعت دوزخ

دوزخ بسیار گسترده و وسیع است. آن قدر که همه گناهکاران جن و انس اولین و آخرین که فراوان هم هستند در آن جا داده می شوند. براساس قرآن کریم، این وسعت و بزرگی به قدری است که پس از این که همه گناهکاران را بلعید، باز هم هل من مزید می طلبد:

(30) بهشت و جهنم

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ...

روزی که به جهنم می گوییم: آیا امروز (روز قیامت) از کافران پر شده ای؟ و او می گوید: آیا باز هم دوزخی هست (که وارد من شود چون هنوز جا دارم.)(1)

بنابراین، دوزخ بسیاروسیع و گسترده است.

1- 30 / ق.

مفسر تفسیر نمونه ذیل آیه 30 سوره ق نوشته است:

دوزخیان بسیارند و جهنم منظره هولناک و وحشتناکی دارد و تهدید الهی جدی و به گونه ای است که فکر درباره آن لرزه بر اندام هر انسانی می اندازد و به او هشدار می دهد که:

1 30 / ق.

سجّین پایین ترین مکان جهنم (31)

نکند یکی از آن نفرات من یا شما باشیم!(1)

«سِجّین» پایین ترین مکان جهنم

کَلاّ اِنَّ کِتابَ الْفُجّارِ لَفی سِجّینٍ

مسلما نامه اعمال فجار در سجین است.(2)

سجین وادی بسیار هولناکی در دوزخ است.

ص:27

1- نمونه، ج 22، ص 275.

2- 7 / مطففین.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده اند: «سجین» زمین هفتم و پایین ترین مکان «دوزخ» است.(1)

(32) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: «سجین» به معنی دوزخ یا قعر زمین است ..(2)

فجار کسانی هستند که بی پروا و بی محابا و گستاخانه و آشکار به انجام گناهان می پردازند. چنین کسانی به تناسب گناهانشان گرفتار اعمال خویش خواهند شد.

1- نور الثقلین، ج 5، ص 530 .
2- نمونه، ج 26، ص 258 .

دوزخیان به چه زبانی صحبت می کنند (33)

در اصل ارتباط و مفاهمه (فهماندن مقصود به هم دیگر) در بین مردم در جهان آخرت، شکی نیست و آیات زیادی بر این مطلب دلالت می کنند. از جمله درآیات 39 تا 46 سوره مدثر می خوانیم:

اِلاّ اَصْحابَ الْیَمینِ. فی جَنّاتٍ یَتَسائَلُونَ. عَنِ الْمُجْرِمینَ. ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ. قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلّینَ. وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکینَ. وَ کُنّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضینَ. وَ کُنّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدّینِ

به جز یاران دست راست (که نامه عمل آن ها را به نشانه ایمان، به دست راستشان می دهند). آن ها در باغ های بهشتند و از مجرمان (و گناهکاران) سؤال می کنند چه چیز شما را در آتش (دوزخ) درآورد. می گویند ما از نمازگزاران

نبودیم. وبینوایان را غذا نمی دادیم. و پیوسته با اهل باطل به هرزگی مشغول بودیم.

و همواره روز قیامت را انکار می کردیم.

و نیز سوره های واقعه، آیات 25 و 26، مؤمن، آیه 49 و 50؛ مؤمنون، آیه 107 و 108 و اعراف، آیه 44 بر این حقیقت دلالت دارند. اما این که ارتباط و مفاهمه به چه صورتی و با چه زبانی صورت می گیرد و اساسا آیا زبانی که در میان اهل دنیا متداول و مرسوم است در آن جا نیز کاربرد دارد یا نه و بسیاری از مسائل دیگر، برای ما مشخص نیست.

البته در برخی روایات وارد شده که مردم در جهان آخرت با زبان عربی تکلم می کنند.(1)

1- المیزان، ج 11، ص 11 و 12.

دوزخیان به چه زبانی صحبت می کنند (35)

آیا دوزخ جاودان است؟

دوزخ جاودان است؛ اما، دوزخیان به دو گروه تقسیم می شوند:

1 کسانی که به خداوند متعال ایمان داشته اند، اما گناهانشان بیشتر از کارهای خوبشان بوده است.

این ها به اندازه گناهانی که کرده اند، مجازات می شوند و سپس از دوزخ رها می گردند.

2 کسانی که به خداوند متعال ایمان نیاورده، کفر و شرک و نفاق را در زندگی خویش نهادینه کرده و نامه عمل خویش را سیاه و تباه کرده اند، هرچه کرده اند بدی و ظلم و ستم بوده است، و ناچار باید همیشه با

آنچه کرده اند زندگی کنند. خداوند متعال در این باره فرموده است:

خلِدینَ فیها مادامَتِ السَّمواتُ وَ الأرْضُ اِلاّ ما شاآءَ رَبُّکَ اِنَّ رَبَّکَ فَعّالٌ لِما یُریدُ

آن ها (گروه دوم) تا آسمان و زمین باقی است، در آتش جاودانه اند مگر این که مشیت خداوند بخواهد (گروه اول) را نجات دهد که البته خداوند (با قدرت و حکمت خویش) هرکاری بخواهد انجام می دهد.(1)

گفته شده است که:

استثنا در آیه اشاره به بعضی از اهل آتش است (موحدان خطاکار) که پس از

مدتی از آتش آزاد خواهند شد؛ چنان که در برخی روایات اشاره به این مطلب شده است. به همین جهت بعد از استثنا فرمود: «انَّ رَب-َّکَ فَعَّالٌ لِما یُرید» پروردگارت

1- 107 / هود .

هرچه را بخواهد انجام می دهد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: «گناهکاران و شقاوتمندان برای همیشه در آتش جاودانه خواهند ماند، مگر گناه کارانی که اهل توحید باشند که بعد از پاک شدن وارد بهشت خواهند شد.(1)

همچنین به جاودانگی دوزخ در آیات دیگر قرآن کریم اشاره شده است.(2)

(38) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر نمونه درباره «خالِدينَ فيها» نوشته است: دلیل بر جاودانگی عذاب دوزخیان است.(3)

1- المیزان، ج 11، ص 23 35؛ تفسیر نمونه، ج 9، ص 245 248؛ قاموس قرآن، ج 2، ص 272 276؛ البرهان فی تفسیرالقرآن، ذیل آیات 105 108، سوره هود.
2- 167 / بقره، 18 / مائده، 22 / توبه.
3- نمونه، ج 9، ص 239.

چراگناهان موقت،مجازات های ابدی دارند؟

گفتیم که دوزخ جاودانه و همیشگی است و دوزخیان نیز به دو گروه تقسیم می شوند:دوزخیان موقتی و دوزخیان همیشگی.

ممکن است که این سؤال مطرح شود که: انسان ها در دنیا در یک عمر محدود گناه می کنند، چرا باید دائم عذاب شوند؟

چرا گناهان موقت، مجازات های ابدی دارند (39)

در پاسخ به این سؤال می توان گفت:

از آن جا که پاداش و کیفر اخروی، نتیجه و اثر عینی بلکه تجسم عمل انسان است، دیگر مسئله برابری از نظر کمیّت (زمان) و کیفیت مطرح نیست. بنابراین، هنگامی که گناه و کفر و طغیان و سرکشی سراسر وجود انسانی را احاطه کرد و تمام بال و پر روح و جان او در آتش بیدادگری و نفاق سوخت، چه جای تعجب

ص:34

که در سرای دیگر برای همیشه از نعمت پرواز محروم گردد. چراکه او آگاهانه و بااختیار، قدم در راه تباهی گذاشته و گرفتار عذاب ابدی شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام به این مطلب اشاره شده است:

به این سبب (جمعی از) اهل دوزخ همیشه در آن می مانند که نیّت آن ها این بوده که اگر جاودانه در دنیا بمانند، گناه و معصیت خدا کنند و به این سبب

اهل بهشت همیشه در آن می مانند که قصد آن ها این بوده که اگر همیشه در این جهان بمانند، فرمان خدا را اطاعت کنند، بنابراین هردو دسته به خاطر نیت و قصدشان «خلود» یافتند.(1)

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 36.

رابطه بین گناه و مجازات

برای تشریح بیشتر این موضوع که گناهکاران چرا الی الابد (البته کفار معاند) در دوزخ مجازات می شوند انواع رابطه بین عمل و کیفر را بررسی می کنیم:

چرا گناهان موقت، مجازات های ابدی دارند (41)

1 گاهی کیفر و مجازات براساس قوانین و قراردادها تعیین و اجرا می شود. مثل این که اگر کسی از چراغ قرمز عبور کند، فلان مبلغ جریمه می شود. در این گونه موارد، چنانچه بین جرم و کیفر تناسب برقرار شود، عدالت اجرا شده است.

2 نوع دوم از مجازات و کیفر، مجازاتی است که محصول طبیعی و نتیجه وضعی اعمال است. به عنوان مثال: اگر کسی به سوی مواد مخدر برود، خود را

ذلیل و علیل و خوار و بدبخت می کند و به اعتیاد و انواع بیماری ها گرفتار می شود. این کیفر، محصول عمل فرد است و هیچ قانونی نمی تواند آن را تغییر دهد. بلکه انسان ها باید با شناخت و توجه، خود را با اینگونه قوانین طبیعی تطبیق دهند تا کیفر نشوند.

3 نوع سوم از رابطه بین عمل و کیفر، کامل تر و عمیق تر از دو نوع قبلی

است و آن این است که: هرکار ما، دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

جنبه ظاهری و مادی کار، پس از عمل از بین می رود مثلاً وقتی شما حرف نامناسب و زشتی به کسی بزنید پس از آنکه سخن شما تمام شد، اثری ظاهری از آن وجود نخواهد داشت.

اما جنبه باطنی و غیبی کارها و سخنان ما هرگز از بین نمی رود و در

جان ما ثابت می مانند (مانند فیلمی که از همین کار اگر بگیریم دائم قابل مشاهده و شنیدن است.»

بنابراین هرعمل که توسط ما انجام شود (و سخن نیز در ردیف عمل است) ضمن ثبت در جانمان توسط فرشتگان ثبت کننده اعمال نیز ثبت و ضبط و نگهداری می شود:

رابطه بین گناه و مجازات (43)

عَلِمَتْ نَفْسٌ ماآَحْضَرَتْ

هرکسی می داند آنچه را که (در دنیا) آماده و حاضر کرده است.(1)

بنابراین در قیامت عین عمل انسان نمایان می شود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

1- 14 / تکویر .

برای تو ناچار همنشینی (از عملت) خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی شود. با تو (در گور) دفن می شود درحالی که مرده ای و او زنده است. همنشین تو اگر شریف باشد، تو را گرامی خواهد داشت و اگر (خوب) و شریف نباشد، تو را به دامن حوادث (ناگوار) می سپارد. او با تو همنشین می شود و در روز

قیامت همراه تو برانگیخته می شود و تو مسئول آن هستی!

پس، دقت کن! همنشینی (که از اعمالت) انتخاب می کنی نیک (کارهای نیک) باشد. زیرا اگر او نیک باشد مایه انس (و خوشحالی ابدی) تو خواهد شد و در غیر این صورت موجب وحشت (و ناراحتی ابدی) تو می شود. آن همنشین، اعمال توست.(1)

1- معانی الاخبار، ج1، ص233.

امام علی علیه السلام درباره لزوم ترک گناه برای دوری از دوزخ فرموده اند: همانا گناهان چون مرکب های سرکش و بدرفتارند که سواران خود را (گناهکاران را) رهاشده در دوزخ می اندازند.(1)

رابطه بین گناه و مجازات (45)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند:

موقعی که میت به قبر گذاشته شود، شخصی مقابل او مجسم می شود و وقتی میت از هویت او سؤال می کند، او می گوید:

من عمل تو در دنیا بودم که از این به بعد همیشه با تو هستم(2)

امام سجاد علیه السلام نیز فرموده اند:

ص:40

1- نهج البلاغه، خ 16.
2- فروع کافی، ج 3، ص 240.

خود اعمال، زنجیرهای عذاب در گردن گناهکار می شود(1)

امام خمینی «ره» گفته است:

(46) بهشت و جهنم

هر ذره ای که انسان عمل می کند، یک صورت ماورای طبیعت دارد(2)

جهنم، اعمال توست که در آن جا حاضر می بینی، صورت بهشتی و جهنم جسمانی، همان صور اعمال و افعال حسنه و سیئه بنی آدم است.(3)

استاد مطهری در این باره نوشته است:

اعمال ما صورتی ملکی دارند که فانی و موقت است، و صورتی و

ص:41

1- صحیفه سجادیه، دعای 42.
2- صحیفه نور، ج 6، ص 279.
3- چهل حدیث، ص 21.

وجهه ای ملکوتی دارند که پس از صدور از ما، هرگز فانی نمی شوند.(1)

رابطه بین گناه و مجازات (47)

امام خمینی، نظریه وجود معذِّب و معاقب خارجی را چنین رد می کنند:

یک جای دیگری هم هست که در آن جا شکنجه هایی است که ما نمی توانیم بفهمیم و آن از خود اعمال است؛ این طور نیست که نظیر این جا یک فراشی از خارج بیاید و شکنجه کند.(2) تمام عذاب هایی که در آن عالم است، از خود ماست، خداوند تبارک و تعالی مهیا نکرده یک چیز را، که ماورای خود ما ، به ما بدهند.(3)

1- عدل الهی، ص 221.
2- صحیفه ی نور، ج 6، ص 279.
3- همان، ج 15، ص 81.

(48) بهشت و جهنم

چگونگی آفرینش دوزخ

درباره این که آیا دوزخ هم اکنون آفریده شده است یا خیر می توان گفت: به یک تعبیر بله. به یک تعبیر نه!

به تعبیری که می گوییم بله، مقصودمان این است که: زمینه دوزخ و همه چیز برای تبدیل گناهان به آتش فراهم است، همچنین به اندازه گناهان بخشیده نشده هرانسانی، دوزخ او آماده شده است.

اما به تعبیری که می گوییم نه، مقصود آن است که هرانسانی، آفریننده و تجهیزکننده دوزخ خویش است. بنابراین به اندازه گناهانی که هنوز انجام نداده ایم، دوزخ ما آفریده نشده است یا به تعبیر بهتر، آن را نیافریده ایم.

به همین جهت گفته شده است که:

چگونگی آفرینش دوزخ (49)

مفهوم صحیح این عبارت (هرکسی جهنم خود است و بهشت خود) این است

ص:43

که هرکسی خود، خالق بهشت و یا جهنم خود است. چرا که بهشت و جهنم، زمین های خالی است که به وسیله اعمال ما پر از نعمت های بهشتی و یا پر از عذاب های جهنمی می شوند (درصورتی که اعمال نیکی باشند، به صورت نعمت های جالب و زیبای بهشتی و اگر اعمال بد و شری باشند، در قیافه وسایل شکنجه و عذاب، مجسم می شوند.(1)

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: دوزخیان به خاطر اعمال (بدشان) شقاوتمند شدند.(2)

(50) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر نمونه درباره این که دوزخ هم اکنون موجود است نوشته است: طبق ظاهر آیات قرآن، جهنم هم اکنون موجود است و طبق تحلیلی که داشته ایم در

1- پیام قرآن،ج6،ص341 344،ج2،ص511.
2- توحید صدوق، ص 356.

باطن و درون این دنیا است و به این ترتیب حقیقتا کفار را احاطه کرده است.

در آیات 5 تا 7 سوره تکاثر به این مطلب اشاره شده است:

کَلاّ لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقینِ لَتَرَوُنَّ الْجَحیمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّها عَیْنَ الْیَقینِ

این چنین نیست، اگر علم الیقین داشتید دوزخ را مشاهده می کردید سپس آن را به عین الیقین می دیدید(1).

چگونگی آفرینش دوزخ (51)

بنابراین، دوزخ هم اکنون آماده است اما، بر اثر اعمال بد انسان ها توسعه می یابد.

و هرکس با اعمال بد خویش اعم از اعمال ماتقدم و ماتأخر، در

1- تفسیرنمونه،ج16،ص322.

حال گسترش دادن، عمیق کردن و دمیدن در آتش جایگاه ابدی خویش است.

بدترین جایگاه دوزخ

بنابر آیه 145 سوره نساء، «درک اسفل» بدترین و پایین ترین طبقه دوزخ است:

اِنَّ الْمُنافِقینَ فِی الدَّرْکِ الْاَسْفَلِ مِنَ النّارِ وَ لَنْ تَجِدَلَهُمْ نَصیرا

(52) بهشت و جهنم

آری، منافقان در فروترین (و پست ترین) درجات دوزخ اند و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت.

مفسر تفسیر نمونه درباره جایگاه منافقان در دوزخ نوشته است:

این آیه، سرنوشت منافقان را بطور مشخص بیان کرده و مکان ابدی آنها را پایین ترین مرحله دوزخ شمرده است.(1)

1- تفسیر نمونه، ج 4، ص 181.

حضرت علی علیه السلام درباره شدت آتش دوزخ فرموده اند:

بترسید از آتشی که ژرفای آن زیاد و حرارتش شدید و عذابش نو به نو وارد می شود، در جایگاهی که رحمت در آن وجود ندارد و سخن کسی را نمی شنوند

بدترین جایگاه دوزخ (53)

و ناراحتی ها در آن پایان ندارد.(1)

عذرها پذیرفته نمی شود

... وَ لا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ

و روز قیامت و هنگام انداختن دوزخیان به جهنم، هیچ توبه و عذر و (گریه و التماس) را از آن ها نمی پذیرند.(2)

1- نهج البلاغه، نامه 27.
2- 35 / جاثیه.

مفسر تفسیر نمونه درباره پذیرفته نشدن عذرهای دوزخیان نوشته است:

(54) بهشت و جهنم

(خداوند) در این جا می گوید، از آن ها عذری پذیرفته نمی شود و در نتیجه راه نجاتی برای آن ها نیست.(1)

مالک دوزخ وفرشتگان عذاب

مسئول دوزخ، فرشته ای به نام «مالک» است.

علاوه بر مالک، نوزده نفر دیگر از فرشتگان بر دوزخ نظارت می کنند. خداوند متعال در این باره در آیه 31 سوره مدثر فرموده اند:

«عَلَيْها تِسْعَهَ عَشَرَ. وَ ما جَعَلْنا اَصْحابَ النّارِ اِلاّ مَلائِكَهً... وَ ما

1- تفسیر نمونه، ج 21، ص 290.

يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ اِلاّ هُوَ...»

نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن (دوزخ) گمارده شده اند. مأموران دوزخ

مالک دوزخ و فرشتگان عذاب (55)

را فقط ازفرشتگان(عذاب)قرار دادیم... و (تعداد)لشکریان پروردگارت (فرشتگان) را جز او کسی نمی داند...

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

بعضی گفته اند اشاره به نوزده گروه از فرشتگان می باشد... درباره عدد 19 هم بعضی گفته اند که: ریشه اخلاق رذیله به نوزده خلق ظاهر و باطن بازمی گردد و از آنجا که اخلاق رذیله هریک عامل یک عذاب الهی است، طبقات دوزخ 19 طبقه به تعداد آن ها و در هرطبقه فرشته یا گروهی از فرشتگان مأمور عذابند.

ص:49

البته هریک از این فرشتگان قدرت عظیمی دارند و...(1)

(56) بهشت و جهنم

شاید هم این نوزده فرشته، فرماندهان اصلی هستند که زیر نظر مالک انجام وظیفه می کنند؛ اما هریک، دارای فرشتگان زیردست زیادی هستند که همه باهم به اداره امور دوزخ وفق نظر حضرت حق می پردازند.

حضرت علی علیه السلام درباره عذاب و غضب مالک دوزخ، در خطبه 183 نهج البلاغه فرموده اند:

آگاه باشید که این پوست نازک بدن، طاقت آتش دوزخ را ندارد. پس به خودتان رحم کنید. شما مصیبت های دنیا را آزموده اید. آیا ناراحتی های یکی از

1- نمونه، ج 25، ص 235.

افراد خود را بر اثر خاری که در بدنش فرو رفته یا در زمین خوردن پایش زخمی

شده یا ریگ های داغ بیابان او را رنج داده، دیده اید که تحمل آن مشکل است. پس چگونه می شود تحمل کرد که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ های گداخته همنشین شیطان باشید؟ آیا می دانید که وقتی مالک دوزخ بر آتش غضب کند، شعله ها بر روی هم می غلطند و یکدیگر را می کوبند! و آنگاه که بر آتش بانگ زند شعله ها در میان دره های جهنم به هرطرف زبانه می کشد...

درباره خصوصیات مالک دوزخ نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است: «که روز قیامت مالک نزد من می آید و می گوید: ای احمد صلی الله علیه و آله ! درود بر تو. من در جواب می گویم: درود بر تو ای فرشته! رویت چه زشت و دیدنت چه نازیباست. تو که هستی؟ او می گوید: من مالک و خازن دوزخ هستم، و این کلیدهای دوزخ است

که خداوند با عزت آن ها را برای تو فرستاده است. ای احمد صلی الله علیه و آله ! این ها را بگیر و

(58) بهشت و جهنم

من می گویم: این را از پروردگارم پذیرفتم، سپاس او را سزاست که مرا با این مقام برتری داد. و من نیز آن ها را به برادرم علی ابن ابی طالب می سپارم، سپس مالک بازگشته و علی ابن ابی طالب می آید و درحالی که کلیدهای بهشت و دوزخ در دست اوست، بر گلوگاه دوزخ می ایستد، در این حال شراره های آن پراکنده، و بانگ دم برآوردن هراس انگیز آن بلند، و حرارت آن طاقت فرسا و شدید است، و علی علیه السلام مهار آن را در دست دارد. دوزخ به او می گوید: از من زود بگذر، چون نور تو شراره های مرا خاموش می کند، و علی علیه السلام به او می گوید: آماده باش این را بگیر و آن را رها کن. این را بگیر که دشمن من است و آن را رها کن که دوستدار من است، و اطاعت و فرمانبرداری دوزخ از علی علیه السلام بیشتر از اطاعت بنده از

صاحبش است و هرگاه که او بخواهد دوزخ را به طرف راست، و یا به

مالک دوزخ و فرشتگان عذاب (59)

طرف چپ می کشاند، و دوزخ در آن روز از تمامی خلایق، اطاعت و فرمانبرداری بیشتر به او و آنچه بدان فرمان می دهد، دارد.»

گفتگوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با جبرئیل درباره دوزخ

در ارشاد القلوب از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

«روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حالیکه نشسته بود جبرئیل بر او نازل شد در حالی که بسیار افسرده، محزون و غمگین بود. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای جبرئیل! تو را چه شده است که افسرده خاطر و محزون می بینمت، عرض کرد: چگونه محزون نباشم حال آنکه خداوند امر فرمود هزارسال به آتش جهنم دمیدند سفید شد و هزار سال دیگر بر او دمیدند تا این که سیاه شد و

ص:53

آتش جهنم سیاه می باشد.

(60) بهشت و جهنم

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و جبرئیل گریه کردند، به آن ها وحی رسید گریه نکنید من شما را از عصیان حفظ می کنم تا اینکه مبتلا به جهنم نگردید و بعد از این قضیه پیغمبر صلی الله علیه و آله را کسی خندان ندید. جبرئیل حضور آن حضرت عرض کرد، پس از آن که خدا جهنم را آفرید اشک چشم من نخشکیده است از ترس آنکه مبادا از من خلافی صادر شود و مستحق جهنم گردم و میکائیل نیز چنین است.

از آیات قرآن کریم و اخبار استفاده می شود که به امر حق در روز قیامت، جهنم را می کشند و در صحرای قیامت می آورند چنانچه حضرت سبحان در سوره فجر می فرمایند:

وَ جی آءَ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ یَوْمَئِذٍ یَتَذَکَّرُ الاْنْسانُ وَ اَنّی لَهُ الذِّکْری(1)

گفتگوی رسول اکرم با جبرئیل درباره دوزخ (61)

یعنی آورده می شود در روز قیامت و در آن روز متوجه می شود انسان که چه کرده است و لکن از کجا که این توجه به حال او فایده داشته باشد.

در مجمع البیان از ابی سعید خدری نقل شده که چون این آیه بر پیغمبر اکرم نازل شد صورت آن حضرت تغییر کرد. اصحاب آثار حزن و غم را در صورت آن حضرت مشاهده می کردند ولکن کسی را جرأت آن که سبب حزن آن حضرت را سؤال کند نبود تا این که علی علیه السلام وارد مسجد گردید و چون حال حضرت رسول را مشاهده کرد نزدیک آمد و ما بین دو کتف حضرت رسول را بوسید و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد، چه رخ داده که چنین حالی به شما دست

1- 23 / فجر.

داده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل آمده و این آیه را برای من آورده است،

(62) بهشت و جهنم

امام علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله چگونه جهنم را به صحرای محشر می آورند؟ حضرت فرمود: هفتاد هزار ملک با هفتاد هزار ریسمان جهنم را می کشند و می آورند به طوری که از آن شراره هایی بالا می رود که هر شراره به اندازه قصری است، همان طور که خدا می فرماید: «اِنَّها تَرْمی بِشَرَرٍ کَالْقَصْرِ. کَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ ».(1)

و مرحوم صدوق از علی بن ابراهیم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: چون آیه «وَ جیآءَ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» بر پیغمبر اکرم نازل شد از پیغمبر سؤال کردند چگونه جهنم را در محشر حاضر می کنند؟ حضرت

1- 32 و 33 / مرسلات.

گفتگوی رسول اکرم با جبرئیل درباره دوزخ (63)

فرمودند: جبرئیل مرا خبر داد که چون حضرت حق جمیع مردم را در صحرای محشر حاضر گردانید امر می فرماید تا اینکه جهنم را حاضر کنند و ملائکه غلاظ و شداد جهنم را به محشر می آورند و از برای آن غرش و صدای وحشتناکی است که اگر خداوند حفظ جان مردم را نکند احدی از ترس زنده نمی ماند پس ناگاه از او شعله آتشی خارج می شود و به دور مردم احاطه می کند که تمام مردم از پیغمبر و وصی و عبد و آزاد و زن و مرد و ملک همه صدای آن ها از ترس بلند می شود و می گویند: «رَبِّ نَفْسی نَفْسی وَ اَنْتَ یا نَبِیَّ اللّهِ رَبِّ اُمَّتی اُمَّتی». یعنی همه می گویند: پروردگارا! به فریاد ما برس ولکن تو یا رسول الله، می گویی پروردگارا به فریاد امت من برس.

و در ذیل آیه شریفه«اِذا رَاَتْهُمْ مِنْ مَکانٍ بَعیدٍ سَمِعُ-وا لَها تَغَیُّظا وَ زَفیرا »(1)

(64) بهشت و جهنم

وارد است که چون مردم جهنم را از دور ببینند، از او غرشی می شنوند و می بینند از او شراره هایی که، اگر یک شراره آن در زمین دنیا می افتاد جمیع آنچه در روی زمین بود می سوزانید و اگر صیحه جهنم را اهل دنیا می شنیدند تمام آن ها از ترس می مردند. ولکن چون در قیامت مرگ وجود ندارد مردم از ترس دیدن جهنم جان نمی دهند البته بعضی از مردم از ترس به زانو درمی آیند و بعضی به صورت به روی زمین می افتند و هرکس در فکر خود می باشد و فقط در بین انبیاء حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله در فکر امت خود می باشد و می گوید: «رَبِّ اُمَّتی».

1- 12/فرقان.

گفتگوی رسول اکرم با جبرئیل درباره دوزخ (65)

همچنین در آیات است که جهنم دارای هفت طبقه می باشد چنانچه خداوند می فرمایند:

لَها سَبْعَهُ اَبْوابٍ لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْؤٌ مَقْسُومٌ (1)

از برای جهنم هفت طبقه و در است که از هردر آن عده ای از مردم باید داخل شوند.

و در لآلی الاخبار از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

خدا از برای آتش جهنم هفت طبقه قرار داده:

«اول» جَحیم: و ساکنین جحیم از فشار آتش بدن های آن ها زیر و رو

می شود مثل گوشتی که در دیگ، از فشار جوشش دیگ

1- 44 / حجر .

زیر و رو می گردد.

«دوم» لَظی: چنانچه خدا می فرماید در قیامت شخص گنه کار تمنا می کند که فدیه بدهد اولاد و همسر خود و عشیره و قبیله خود را و آنچه در روی زمین مالک می باشد تا اینکه از جهنم نجات پیدا کند ولکن نه چنین است، آن ها وارد لظی خواهند شد که طبقه دوم جهنم است و این وادی از شدت حرارت گوشت بدن را از استخوان جدا می کند.

«سوم» سَقَر: که منزل متکبران است و خداوند سبحان در قرآن می فرماید: «سَاُصْلیهِ سَقَرَ. وَ ما اَدْریکَ ما سَقَرُ. لا تُبْقی وَ لا تَذَرُ»(1)؛ یعنی ما آن متکبر

گفتگوی رسول اکرم با جبرئیل درباره دوزخ (67)

معاند را با آتش سقر می سوزانیم و چه می دانی تو که سقر کدام است، آن

1- 26 28 / مدّثّر.

آتشی است که نه به جای می گذارد و نه آرام می نهد.

«چهارم» حُطَمَه: چنانچه خدای متعال می فرماید: «کَلاّ لَیُنْبَذَنَّ فِی الْحُطَمَهِ وَ ما اَدْریکَ مَا الْحُطَمَهُ نارُ اللّهِ الْمُوقَدَهُ اَلَّتی تَطَّلِعُ عَلَی الاَفْئِدَهِ »(1)؛ یعنی آنچنان کسانی را که در حضور و در غیاب مردم را اذیت می کنند و جمع مال می نمایند و انتظار می کشند روز بیچارگی مردم را و خیال می کنند آنکه مال دنیا آن ها را در دنیا مخلّد می دارد نه چنین است بلکه این افعال زشت موجب می شود که آن ها را

در حطمه بیندازند، بعد می فرماید: «یا رسول اللّه آیا می دانی حطمه چه جای سختی است، حطمه آتشی است که خداوند با آتش غضب خود برافروخته است و از شدت حرارت بر دل های بندگان خدا سرایت می کند».

1- 4 7 / همزه.

«پنجم» هاوِیَه: و حرارت هاویه به قدری سخت است که پوست بدن اهلش درهم کشیده می شود. چنانچه خدای تعالی می فرماید:

«کُلَّما نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْناهُمْ جُلُودا غَیْرَها لِیَذُوقُواالْعَذابَ اِنَّ اللّهَ کانَ عَزیزا حَکیما (1)؛ یعنی هرگاه پوست بدن اهل هاویه درهم کشیده شود و سخت گردد که دیگر الم عذاب را نچشند ما آن پوست را بدل به پوست دیگری می کنیم

گفتگوی رسول اکرم با جبرئیل درباره دوزخ (69)

که تازه باشد و خوب عذاب در آن اثر کند. به درستی که خدا قادر است و در مواعیدی که داده از برای او عجزی نیست و به قدر و اندازه استحقاق هرکسی را عذاب می کند، نه اینکه در عذاب او تعدی کند و از عدل تجاوز نماید. گفته شد هرگاه انسان با پوست بدنی مثلاً معصیت نماید عدل اقتضاء می کند که عذاب و

1- 56 / نساء.

تأدیب هم بر همان بدن و پوست وارد آید و حال آن که خدا در این آیه شریفه خبر داده ما پوست بدن اهل جهنم را عوض می کنیم و این برخلاف عدل می باشد؟

در جواب این اشکال گفته شده تبدیل پوست به پوست دیگر نه آن است که پوست به کلی عوض شود و حقیقتش مبدل گردد بلکه از قبیل خشت کهنه است که او را خشت مال بکوبد و گل نماید و در غالب بگذارد، آن خشت تازه و نو شده اما نه آنکه ماده او عوض شده باشد بلکه صورت نوعیه او مبدل گردیده والا

حقیقتش کما هو باقیست.

«ششم» سعیر: و خداوند در کلام مجیدش می فرماید:

«اِنّا اَعْتَدْنا لِلْکافِرینَ سَلاسِلَ وَ اَغْلالاً وَ سَعیرا »(1) ؛ یعنی ما از برای کفار مهیا

1- 4 / انسان .

نموده ایم زنجیر و غل هایی و ورود آن ها در سعیر است و در سعیر خیمه هایی از آتش برای ساکنین آن زده شده و خانه هایی از آتش و مار و عقرب های جرار برای اهل او مهیاست.

«هفتم» فَلَق: و خدای تبارک و تعالی در کلام مجیدش به پیغمبر اسلام دستور می دهد: «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ »(1) ؛ یعنی بگو، یا رسول الله من پناه می برم به

گفتگوی رسول اکرم با جبرئیل درباره دوزخ (71)

پروردگار خود از فلق و فلق دارای چاهی است که هرگاه از آن چاه روزن هایی باز شود جهنم شعله ور می شود، شعله ور شدنی عجیب و آن چاه را غضبان می گویند، چون از غضب حق برافروخته شده و عمق آن چاه

1- 1 / فلق.

به مقدار آن است که کسی صد سال برود تا به عمق آن برسد[1].

گفتگوی فرشتگان عذاب با دوزخیان

یکی از عذاب های دوزخیان، عتاب های فرشتگان عذاب به آنها است. این فرشتگان خطاب های قهرآمیز الهی و نیز شماتت ها و استدلال های خودشان را به

دوزخیان می گویند. در کتاب فرشته ها در این باره آمده است:

یکی از عذاب های روز قیامت برای کفار و ستمگران و منافقان، خطاب های قهرآمیز خداوند متعال به فرشتگان درمورد آنهاست. قرآن کریم در آیات متعدد به این خطاب ها اشاره فرموده است. روز قیامت به فرشتگان خطاب می شود: اینک ستمکاران را با همسران (کافر) و معبود(های دروغینشان) حاضر کنید! و

1- اسرار معراج، صفحات 234 و 237.

غیر از خدا هرچه می پرستیدند را بیاورید و همراه با آن ها همه را به راه دوزخ کشانید و در موقف، حساب آن ها را نگهدارید که در (پاسخگویی به) کارشان سخت مسئولند...

در آیات 47 و 48 سوره دخان نیز در این باره چنین آمده است:

خُذوُهُ فَاعْتِلُوهُ اِلی سَواءِ الْجَحیمِ . ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذابِ الْحَمیمِ

گفتگوی فرشتگان عذاب با دوزخیان (73)

خطاب قهر (به فرشتگان عذاب) رسد که بدکاران را بگیرید و به میان دوزخ بیندازید سپس از آن آب جوشان (دوزخ) بر سرش بریزید...

همچنین در آیه 48 سوره قمر خداوند متعال فرموده اند:

یَوْمَ یُسْحَبُونَ فِی النّارِ عَلی وُجُ-وهِهِمْ ذوُقُوا مَسَّ سَقَرَ

روز قیامت روزی (است که فرشتگان) آنها (کفار و ستمگران) را با صورت به آتش دوزخ می کشند و (به آن ها می گویند:) حالا درد دوزخ را بچشید...

در آیه 45 سوره شوری به برخورد فرشتگان با دوزخیان، چنین اشاره شده است:

وَ تَریهُمْ یُعْرَضُونَ عَلَیْها خاشِعینَ مِنَ الذُّلِّ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍّ

(74) بهشت و جهنم

در آن روز آن ظالمان را ببینی که (فرشتگان) به سوی دوزخ می برندشان و آن ها با ترس و ذلت از گوشه چشم به آتش دوزخ نگاه می کنند و...

گفتگوی فرشتگان و مشرکان نیز در آیه 72 و 73 سوره مؤمن اینطور آمده است:

فِی الْحَمیمِ ثُمَّ فِی النّارِ یُسْجَرُونَ ثُمَّ قیلَ لَهُمْ اَیْنَ ما کُنْتُمْ تُشْرِکُونَ

وقتی مشرکان در آتش برافروخته دوزخ می افتند (فرشتگان) به آن ها می گویند: معبودهای باطلی که شریک خداوند می پنداشتید، کجا رفتند؟...(1)

گفتگوی فرشتگان عذاب با دوزخیان (75)

در کنار دوزخ زانو می زنند

ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِیّا: سپس همه (دوزخیان) را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش دوزخ به زانو درآیند.(2)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: این آیه نشان می دهد که دادگاه افراد بی ایمان گناهکار نزدیک جهنم است! تعبیر: بر سر زانو نشسته شاید

1- فرشته ها ، ص 157.

2- 68 / مریم .

اشاره به ضعف و ناتوانی و ذلت و زبونی آن ها باشد، گویی قدرت ندارند بر سرپا بایستند(1)

(76) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر المیزان آورده است: مردم روز قیامت انبوه انبوه و دسته دسته حاضر می شوند، دسته های متراکم (و انبوه) که از کول هم بالا می روند. جاثی کسی را می گویند که بر دو زانو نشسته باشد...(2)

در تفسیر راهنما آمده است:

خداوند، شیاطین و منکران معاد را در قیامت، خوار و ذلیل، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد. آن ها

1- نمونه،ج13، ص 116.

2- المیزان، ج 14، ص 130.

در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم، احضار خواهند شد.(1)

در کنار دوزخ زانو می زنند (77)

آری:

این حالت، ذلت و خواری فراوان، انتظار و اضطراب بی پایان و ضعف و زبونی گناهکاران را در بدو ورود به دوزخ نشان می دهد.

نشانندت ذلیل و زار و نالان کنار دوزخ داغ و خروشان

نه پای رفتن و نه جای ماندن شوی درمانده و ناچار و گریان(2)

1- راهنما، ج 10، ص 704.

2- مؤلف.

(78) بهشت و جهنم

وَيَوْمَ يَعَضُ الظّالِمُ عَلی يَدَيْهِ...

و روزی که ظالمان از حسرت دست به دندان گرفته می گزند و...(1)

در تفسیر المیزان آمده است: به یاد آور روزی را که ستمگر آن چنان پشیمان می شود که از شدت ندامت دستش را به دندان می گزد و می گوید: ای کاش راهی با رسول باز می کردم و راه باریکی به سوی هدایت به دست می آوردم(2)

مفسر تفسیر نمونه هم نوشته است: «يَعِضُّ» به معنای گاز گرفتن با دندان

1- 27 / فرقان .
2- المیزان، ج 15، ص 289.

دست ها را به دندان می گزند (79)

است و معمولاً این تعبیر برای کسانی که از شدت حسرت و تأسف ناراحتند به کار می رود مثل این که در فارسی می گوییم: فلانی انگشت حسرت به دندان می گزید!(1)

ترسان و لرزان و گریان به آتش نگاه می کنند

وَ تَريهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْها خاشِعينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ

و ظالمان را می بینی که متوجه دوزخ شده و (ترسان و گریان و لرزان) با ذلت با گوشه چشم به آتش می نگرند.(2)

(80) بهشت و جهنم

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرموده اند:

ص:72

1- نمونه، ج 15، ص 70.
2- 45 / شوری،4 / ابراهیم .

غصب کنندگان حق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از شدت ترس و عذاب آخرت، با زیر چشمی به حضرت علی علیه السلام نگاه می کنند.(1)

آیه اللّه مکارم شیرازی نوشته است: حالت وحشت و اضطراب شدیدی بر همه وجودشان حاکم است و ذلت و تسلیم سرتا پای آن ها را فرا گرفته است و دیگر خبری از آن همه گردنکشی و ستیزه جویی و طغیان و ظلم و ... نیست و زیرچشمی به آتش دوزخ می نگرند. این ترسیمی است از کسی که شدیدا از چیزی می ترسد..(2)

ترسان و لرزان و گریان به آتش نگاه می کنند (81)

علامه طباطبایی آورده است: نگاه ضعیف به آتش دوزخ و مکاره و هول انگیز

1- اثبات الهدی ، ج 7 ، ص 129 .
2- نمونه، ج 20، ص 474.

قیامت می کنند برای این که نه می توانند آن را نادیده گرفته و خود را به غفلت بزنند و نه برایشان امکان دارد که از شدت ترس درست و حسابی به آن نگاه کنند...(1)

در تفسیر نور آمده است: وحشت قیامت، قدرت دیدن را از مجرم می گیرد.(2)

کسانی که در این دنیا برای دیگران در: منزل، اداره، جامعه و جهان محیط

رعب و وحشت و ترس بوجود می آورند، در قیامت روزگار سختی خواهند داشت.

1- المیزان، ج 18، ص 104.
2- نور، ج 10، ص 422.

این ها در این دنیا باعث:

ترس فراوان، وحشت بی اندازه، گریه های مدام، لرزه های پی در پی، اضطراب زیاد، ناله های دردناک، و... شده اند. اکنون در قیامت باید طعم آنچه را به دیگران به ظلم چشانده اند، به حق بچشند!

اِذا اُلْقُوا فیها سَمِعُوا لَها شَهیقا وَ هِیَ تَفُورُ

وقتی به جهنم می افتند فریاد وحشتناکی چون شهیق و نعره خران از آتش جوشان می شنوند.(1)

از فریاد دوزخ وحشت می کنند (83)

علامه طباطبایی نوشته است: وقتی کفار به جهنم ریخته می شوند، صدای

1- 7 / ملک و 12 / فرقان .

شهیقی از آن می شنوند، شهیقی که مثل مغناطیس آن ها را به داخل خود می کشاند. ... آن ها را مانند نخودی که در دیگ جوشان بالا و پایین می رود، بالا و پایین می کند، به طوری که گویی از شدت غضب می خواهد متلاشی شود.(1)

آیه اللّه مکارم شیرازی آورده است:

هنگامی که آن ها با نهایت ذلت و حقارت در آن (جا) پرتاب می شوند فریاد

وحشتناک و طولانی جهنم برمی خیزد و تمام وجودشان را در وحشت فرو می برد... این صدا، اشاره به صداهای وحشت زا و ناراحت کننده است.(2)

1- المیزان، ج 20، ص 14 .
2- نمونه، ج 24، ص 327.

و مرگ نعمت می شود!

وَ نادَوْا یا مالِکُ لِیَقْضِ عَلَیْنا رَبُّکَ قالَ اِنَّکُمْ ماکِثُونَ

دوزخیان به مالک دوزخ می گویند: ای مالک! از خداوند بخواه تا به ما مرگ بدهد!تاازعذاب رهاشویم.(مالک می گوید:حیف مرگ!)شما دراین عذاب همیشه باقی خواهید بود.(1)

و مرگ نعمت می شود (85)

علامه طباطبایی نوشته است: منظور از «مالک» همان سرایدار دوزخ است، که در اخبار و روایات عامه و خاصه نیز به این نام نامیده شده است.

مجرمین مالک دوزخ را صدا می زنند و آنچه را که باید از خدا بخواهند از او می خواهند، و این بدان جهت است که اهل دوزخ محجوب از خدا هستند... مجرمین

1- 77 / زخرف .

از مالک درخواست می کنند که او از خدا بخواهد که به این ها مرگ بدهد! بلکه از این عذاب الیم نجات یابند. مالک به ایشان می گوید: شما در همین زندگی شقاوت بار و در این عذاب الیم خواهید بود.(1)

آیه اللّه مکارم شیرازی آورده است: آن ها فریاد می کشند که ای مالک دوزخ!

آرزو داریم پروردگارت ما را بمیراند تا از این عذاب دردناک آسوده شویم!

... گاهی چنان مصائب بر انسان فشار می آورد که از خدا تمنای مرگ می کند، و این چیزی است که اگر در این دنیا برای بعضی واقع شود، در آن جا برای مجرمان جنبه عمومی دارد و همگی تمنای مرگ می کنند!

اما چه فایده که مالک دوزخ به آن ها پاسخ می دهد: شما در

1- المیزان، ج 18، ص 196.

این جا ماندنی هستید و نجاتی حتی از طریق مرگ وجود ندارد!

امکان خروج از دوزخ وجود ندارد

... وَ ما هُمْ بِخارِجینَ مِنَ النّارِ: و امکان خروج از آتش دوزخ وجود ندارد(1)

امکان خروج از دوزخ وجود ندارد (87)

برای کسانی که در دوزخ سقوط می کنند، هیچ راه فراری وجود ندارد. امام باقر علیه السلام درباره کسانی که از آتش خارج نمی شوند، فرموده اند:

منظور این آیه، دشمنان حضرت علی علیه السلام هستند که حق او را غصب کرده اند.(2)

1- 167 / بقره .
2- تفسیرلاهیجی، ج 1، ص 145 .

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: این آیه دلیل نقلی روشنی برعلیه کسانی است که معتقدند عذاب آخرت منقطع می شود و پس از مدتی از بین می رود.(1)

(88) بهشت و جهنم

حسرت های مداوم

... حَسَراتٍ عَلَيْهِمْ...: گناهکاران در دوزخ، حسرت های فراوان می خورند. (2)

یکی از عذاب های دوزخی، حسرت های فراوان دوزخیان است. آن ها از این که فرصت های عمر خویش را از کف داده و بدبخت و آتشی شده اند

1- المیزان، ج 1، ص 582 .

2- 167 / بقره و 44 / اعراف .

دائم افسوس می خورند.

حسرت و افسوس، یکی از دردهای روحی دوزخیان است.

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: آن ها جز این که حسرت بخورند چه می توانند بکنند. حسرت از اموالی که فراهم کردند و بهره آن را دیگران بردند،

حسرت های مداوم (89)

حسرت بر امکانات فوق العاده ای که برای رستگاری و نجات داشتند و از دست دادند، حسرت به خاطر عبادت معبودهای بی عرضه و بی ارزش به جای عبادت خداوند متعال و... (1)

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: خداوند اعمال آن ها، یعنی محبت و پیروی از غیر از خدا را به آن ها نشان می دهد (اما) به صورت

1- تفسیر نمونه، ج 1، ص 567 .

حسرت بار[(1)]

تحقیر مکرّر

(90) بهشت و جهنم

... مَنْ تُدْخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَیْتَهُ: هرکس را در آتش افکنی، او را بسیار خوار و رسوا کرده ای.(2)

یکی از مجازات های دوزخ، خوار کردن دوزخیان است. دوزخیان ضمن این که مجازات های شدید دائمی را تحمل می کنند، خوار و ذلیل هم می شوند.

وَ مَا لِلظّالِمِینَ مِن اَنصَار: و برای ظالمان یار و یاوری نیست.

ازامام صادق علیه السلام روایت شده است که:

1- المیزان، ج 1، ص 582 .
2- 192 / آل عمران .

منظور این است که ظالمان، ائمه معصومی ندارند که در موقع گرفتاری آن ها را به یاری بطلبند.(1)

تحقیر مکرّر (91)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است: خردمندان بیش از آنچه از آتش دوزخ می ترسند از رسوایی وحشت دارند، و همین است حال افراد باشخصیت، آن ها حاضرند همه گونه رنجی را تحمل کنند اما شخصیت آن ها و حیثیت و آبرویشان محفوظ بماند. بنابراین دردناک ترین عذاب رستاخیز، برای این دسته همان رسوایی در پیشگاه خدا و بندگان خدا است.(2)

در تفسیر راهنما آمده است: خداوند هرکس را در آتش بیفکند به خواری و

1- عیاشی و لاهیجی، ج 1، ص 421.
2- نمونه، ج 3، ص 217.

ذلت کشانده است. خردمندان، رنج دوری از رحمت خداوند و خواری از سوی او

(92) بهشت و جهنم

را سخت تر از آتش دوزخ می دانند.(1)

حیرت و ترس و اضطراب شدید

مُهْطِعینَ مُقْنِعی رُؤُسِهِمْ لا یَرْتَدُّ اِلَیْهِمْ طَرْفُهُمْ وَ اَفْئِدَتُهُمْ هَواءٌ

... ستمکاران همه سر به بالا کرده و چشم هایشان (از شدت عذاب) حیران و مات و مبهوت شده و دل هایشان در ترس و اضطراب شدید است.(2)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است: آن ها آنچنان دستپاچه می شوند که همه چیز را فراموش می کنند، حتی خودشان را، گویی همه معلومات از جان و

1- راهنما، ج 3، ص 244.
2- 43 / ابراهیم .

حیرت و ترس و اضطراب شدید (93)

دل آن ها فرار کرده و هرگونه قوت و قدرت را از دست داده اند. بنابراین پنج صفت: خیره شدن چشم ها، فراموش کردن همه فکرها، کشیدن گردن ها، بلند کردن سرها و از حرکت افتادن چشم ها ترسیم بسیار گویایی از هول و وحشت فوق العاده شدیدی که در آن روز به ظالمان دست می دهد است(1)

ناله های طولانی و ترسناک

... فَفِی النّارِ لَهُمْ فیها زَفیرٌ وَ شَهیقٌ ...: در آتش دوزخ آه و ناله می کنند... (2)

(94) بهشت و جهنم

درباره چنین کسانی گفته شده است که آن ها دشمنان اهل بیت هستند که به

1- نمونه،ج 10، ص 375.
2- هود 106 و انبیاء 100.

چنین سرنوشتی دچار شده اند(1)

مفسر تفسیر نمونه منظور از آیه را: ناله و نعره و فریاد دانسته است.(2)

مفسر تفسیر نور نوشته است: «زفیر» فریادی است که همراه با بیرون دادن نفس است و «شهیق» ناله ای است طولانی که توأم با فرو بردن نفس است. بعضی نیز «زفیر» را آغاز صدای الاغ و «شهیق» را پایان آن دانسته اند.(3)

حیرت و ترس و اضطراب شدید (95)

صدای الاغ تقریبا در شروع و پایان چنین وضعیتی دارد، ضمن اینکه بسیار خشن و ناهنجار و مشمئزکننده نیز می باشد.

1- فرهنگ ائمه از دیدگاه قرآن، ص 216.
2- نمونه، ج 9، ص 235.
3- نور،ج 5، ص 384.

در تفسیر راهنما آمده است: جهنمیان، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است.(1)

غل ها و زنجیرهای آتشی

اِنّا جَعَلْنا فی اَعْناقِهِمْ اَغْلالاً فَهِیَ اِلَی الاَْذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

ما هم بر گردن هایشان غل و زنجیر نهاده ایم بطوری که چانه هایشان بالا رفته و چشم هایشان بسته شده است.(2)

(96) بهشت و جهنم

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرموده اند: این آیه درباره انکارکنندگان ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.(3)

1- راهنما،ج 8، ص 262.
2- 8/یاسین،6/رعد،13/فرقان،71/غافر.
3- لاهیجی،ج3،ص734.

مفسر تفسیر نور نوشته است: مراد از زدن غل بر گردن آن ها، کیفر آخرت آن هااست، نظیر آیه 71 سوره غافر.(1)

مفسر تفسیر نمونه آورده است: «غل» حلقه ای بود که بر گردن یا دست ها قرار می دادند سپس آن را با زنجیر می بستند... گاه غل هایی که بر گردن بود

غل ها و زنجیرهای آتشی (97)

جداگانه به زنجیر بسته می شد و غل های بر دست جدا بود. اما گاهی دست ها را در غل می کردند و به حلقه ای که بر گردن بود می بستند و شخص زندانی و اسیر را در محدودیت و فشار و شکنجه قرار می دادند.(2)

1- نور ، ج 9 ، ص 522 .
2- تفسیرنمونه، ج 18، ص 321.

آتش از بالا و پایین

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذلِکَ یُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهِ عِبادَهُ یا عِبادِ فَاتَّقُونِ ...

برای آن ها در دوزخ، از بالا و پایین سایه بانی از آتش دوزخ است.(1)

(98) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: چون دوزخیان در میان طبقات جهنم گرفتارند، پرده های آتش بالای سر و زیر پای آن ها است.(2)

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: مراد این است که ساتری از آتش در بالای سر و ساتری دیگر در زیر پا دارند، این است که آتش از همه

1- 16/زمر، 71/مریم، 55/عنکبوت.
2- تفسیرنمونه، ج 19، ص 406

جهات به ایشان احاطه دارد.(1)

در تفسیر راهنما آمده است: مشرکان و کفار در دوزخ، از هرسو در محاصره آتش قرار خواهند داشت. شدت و فراوانی آتش جهنم، در اطراف

آتش از بالا و پایین (99)

مشرکان و کافران است(2)

درخت نفرت انگیز زقوم

... شَجَرَهُ الزَّقُّومِ اِنّا جَعَلْناها فِتْنَهً لِلظّالِمینَ اِنَّها شَجَرَهٌ تَخْرُجُ فی اَصْلِ الْجَحیمِ طَلْعُها کَاَنَّهُ رُؤُسُ الشَّیاطینِ فَاِنَّهُمْ لاَکِلُونَ مِنْها فَمالِؤُنَ مِنْهَا الْبُطُونَ: درخت زقوم جهنم، این درخت، بلای جان ستمکاران عالم

1- .المیزان، ج 17، ص 396.
2- راهنما، ج 16، ص 51 .

است. این درخت، درختی است که از ته دوزخ سر بر می آورد. میوه هایش (در خباثت) مانند سرهای شیاطین است. اهل دوزخ از آن درخت می خورند (بطوری که) شکم هایشان پر می شود.(1)

(100) بهشت و جهنم

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: درخت نامبرده وسیله پذیرایی از ستمگران است که از آن می خورند و در این که فرمود (سپس شکم ها را از آن پر خواهند کرد) اشاره است به گرسنگی شدید اهل دوزخ، بطوری که آنقدر حریص به خوردن می شوند که دیگر در فکر آن نیستند که چه می خورند.(2)

مفسر تفسیر نمونه درباره زقوم نوشته است: به گفته اهل لغت گیاهی

1- 62تا66/صافات،12/دخان .
2- المیزان، ج 17، ص 222.

است تلخ و بدبو و بدطعم.

راغب در مفردات نوشته است: زقوم هرنوع غذای تنفرآمیز دوزخیان است... خوردن از این گیاه دوزخی با آن بوی بد و طعم تلخ و با آن شیره ای که

درخت نفرت انگیز زقوم (101)

تماسش با بدن موجب سوزندگی و تورم است، آن هم خوردن به مقدار زیاد، عذابی دردناک است.(1)

در تفسیر راهنما آمده است: زقوم گیاه زهرداری است که در بادیه ها (بیابان ها) می روید. درخت زقوم، مایه رنج و عذاب کفار و ستمگران است. درخت زقوم از قعر دوزخ می روید. درخت زقوم، درختی زشت منظر و

1- تفسیرنمونه، ج19، ص 73.

وحشت آور است.(1)

آیا کسانی که در این دنیا به صغیر و کبیر رحم نمی کنند و حق همه کس

را می خورند و برایشان حلال و حرام تفاوتی ندارد، در حال خوردن زقوم آخرت نیستند؟!

اگر عذاب های اخروی نتیجه و بلکه عین اعمال دنیوی ما است، که هست، آیا کسانی که از خوردن حق مردم ابایی ندارند و مال دیگران را مال خودشان تصور می کنند و همه جور مال حرام و لقمه ناپاکی را می خورند، در دادگاه عدل الهی نباید به خوردن «زقوم» اعمال خویش محکوم شوند؟!

1- راهنما، ج 15، ص 396.

گرفتن از موی سر و پا و انداختن در دوزخ

یکی از عذاب های دوزخیان این است که موی جلوی سر و (نیز) پاهایشان را گرفته و آن ها را با ذلت و خواری، به دوزخ می اندازند:

گرفتن از موی سر و پا و انداختن در دوزخ (103)

... فَیُؤْخَذُبِالنَّواصی وَالاْقْدامِ

... پس موی پیشانی آنها و پاهایشان را بگیرید و به دوزخ بیندازیدشان.(1)

مفسر تفسیر نمونه در این خصوص نوشته است: مأموران عذاب آن ها را از زمین برداشته، با نهایت ذلت به دوزخ می افکنند و یا کنایه از نهایت ضعف و ناتوانی آن ها (دوزخیان) در چنگال مأموران عذاب الهی است، که این

1- 41 / رحمن .

گروه را با خواری تمام به دوزخ می برند و چه صحنه دردناک و وحشتناکی است آن صحنه؟(1)

(104) بهشت و جهنم

علامه طباطبایی نوشته است: مجرمین با علامتی (که از سیاهی) در چهره هایشان نمودار می گردد، شناخته می شوند، در نتیجه موی جلو سر و پاهایشان را می گیرند و آن ها را در آتش می اندازند.(2)

علامه طباطبایی ذیل این آیه در المیزان نوشته است: مجرمین با علامتی که (از سیاهی) در چهره هایشان نمودار می شود، شناخته می شوند.

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: گروهی صورت های تاریک و سیاه و

1- تفسیرنمونه،ج 23،ص 157.
2- المیزان، ج 19، ص 214.

زشت و عبوس دارند که نشانه کفر و گناه آن ها است، چنانکه در

گرفتن از موی سر و پا و انداختن در دوزخ (105)

سوره عبس آمده... چهره هایی که سیاهی مخصوصی آن را پوشانده(1)

در تفسیر راهنما آمده است: شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت. ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب است.(2)

گناهکاری، حق کشی، سیاه جلوه دادن دیگران، حسادت و رذایل اخلاقی، سیاه کاری است!

در آخرت، سیاه کاری های دنیوی سیاه کاران که پنهان بود، در چهره هایشان

1- تفسیرنمونه، ج 23، ص 156.
2- راهنما، ج 18، ص 330.

نمایان می شود!

(106) بهشت و جهنم

فلذا، گناهکاران در قیامت چهره هایی سیاه و تاریک دارند، مانند دل هایشان در این دنیا .

سیاهی، ظلمت، سخت دلی و تاریکی دل، در قیامت در چهره نمایان می شود؛ به همین جهت گناهکاران در قیامت از چهره های زشت و بدترکیب و عبوسشان، شناخته می شوند!

... لَهُمْ ثِیابٌ مِنْ نارٍ: ... برای آن ها لباسی از آتش بریده اند.(1)

لباس اهل جهنم (107)

مفسر تفسیر نمونه درباره این آیه نوشته است: این جمله ممکن است اشاره به آن باشد که واقعا قطعاتی از آتش به صورت لباس برای آن ها بریده و دوخته

1- 19 / حج .

می شود! و یا کنایه از این باشد که آتش دوزخ از هرسو آن ها را مانند لباس احاطه می کند.(1)

مفسر تفسیر نور نوشته است:

لباس آتشین دوزخیان، سرد نمی شود و دائما از بالای سرشان مواد گداخته به آن تزریق می شود.(2)

در تفسیر راهنما آمده است: در دوزخ، جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند. وجود آتش های متنوع در دوزخ. جامه های آتشین در دوزخ، جامه هایی است بسیار آزاردهنده و سخت و سوزنده.(3)

1- تفسیرنمونه،ج14،ص55 .
2- نور، ج 8، ص 29.
3- راهنما، ج 11، ص 542 .

عده ای در این دنیا به وسیله لباس هایشان گناه کرده اند و دل مردم را سوزانده اند. این ها با لباس آتش برپا کرده اند!

کسانی که:

با لباس های تنگ و چسبان دیگران را به انحراف می کشانند

لباس های جلف و نازک پوشیده و شهوت انگیزی می کنند

لباس اهل جهنم (109)

با لباس های فاخر و گران قیمت تفاخر می فروشند

از راه حرام به تهیه لباس می پردازند

پوشش مناسب ندارند و با برهنگی به آلودگی ها در جامعه دامن می زنند

با لباس های شهرت، غوغا در دل جنس مخالف برپا می کنند و...

این ها در حقیقت در حال بریدن و پوشیدن لباس های آتشین اخروی

ص:99

برای خویش هستند:

در قیامت به این ها گفته می شود: بپوشید! این ها باطن همان لباس های شهوت انگیز، حرام، شهرت، چسبان و نازک و... لباس های دنیوی شما است.

و چنانچه نخواهند بپوشند، به زور برایشان پوشانده می شود!

(110) بهشت و جهنم

گرزهای گداخته

وَ لَهُمْ مَقامِعُ مِنْ حَدیدٍ: و گرز گران و عمودهای آهنی بر سر آن ها مهیا است.(1)

مفسر تفسیر نمونه درباره این آیه نوشته است: تازیانه ها یا گرزهایی از

ص:100

1- 21 / حج .

آهن سوزان برای (مجازات) آن ها آماده است. و هرگاه بخواهند از دوزخ و غم و اندوه های آن خارج شوند آن ها را به دوزخ برمی گردانند و به آن ها گفته می شود: بچشید عذاب سوزان را.(1) مفسر تفسیر نور آورده است:

گرزهای گداخته (111)

و برای (مجازات) آن ها گرزهایی از آهن است(2)

در تفسیر راهنما آمده است: گرزهای آهنین، یکی پس از دیگری ابزار شکنجه اهل دوزخ است(3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: اگر یک گرز از گرزهای آهنین (جهنم) بر زمین گذاشته شود، و همه مردم جمع شوند، نمی توانند آن را از زمین

ص:101

1- تفسیرنمونه،ج14،ص56.
2- نور، ج 8، ص 29.
3- راهنما، ج 7، ص 544.

بردارند.[(1)]

قلدرها، زورگوها، قمه کش ها، عربده کش ها، سفاکان میادین جنگی که با

موشک ها و گرزهای آتشین بر سر مظلومان کوبیده اند، شکار گرزهای دوزخی خواهند شد!

آن هایی که در میادین جنگی، بازداشت گاه های نظامی، زندان های دربسته، شکنجه گاه های مخوف، پستوی خانه ها و...

با انواع و اقسام: مشت، لگد، چوب، آهن، گرز و...

بر سر مظلومان و بی گناهان کوبیده اند، روز قیامت بر سرشان گرزهای آهنین و گداخته دوزخی کوبیده می شود!

1- مجمع البیان، ذیل همین آیه و بحارالانوار، ج 8، ص 252.

آری: هیچ گناهی در هیچ گوشه ای از دید الهی و مأموران تیزبین و باریک بین اومخفی نمی ماند:

زدی ضربتی؟ ضربتی نوش کن!

گرزهای گداخته (113)

دودهای فراگیر

اِنْطَلِقُوا اِلی ظِلٍّ ذی ثَلاثِ شُعَبٍ

بروید زیر سایه دودهای متراکم آتش دوزخ که از سه طرف شما را احاطه کنند.(1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: شاخه ای از بالای سر، شاخه ای از طرف راست و شاخه ای از طرف چپ، و به این ترتیب از هر طرف این دود غلیظ و

1- 30 / مرسلات، 43 / واقعه.

مرگبار آن ها را احاطه می کند و در کام خود فرو می برد.(1)

(114) بهشت و جهنم

علامه طباطبایی آورده است:

ظل سایه دودی است که از آتش جهنم بالا می رود... درمورد انشعاب آن به سه شعبه گفته اند: این اشاره است به عظمت دود جهنم، چون دود وقتی خیلی متراکم و عظیم بود، شاخه شاخه می شود.(2)

در تفسیر راهنما آمده است: زندگی در سایه ای از دود سیاه، فرجام (کار اصحاب شمال است) فضای دوزخ، آکنده از دود سیاه است. سایه در دوزخ، نه خنک است و نه گوارا.(3)

1- نمونه، ج 25، ص 417.
2- المیزان،ج 20، ص 404.
3- راهنما، ج 18، ص 401.

دودهای فراگیر (115)

کسانی که در این دنیا در سایه: توهم، خیال های خام و سوءظن زندگی کرده اند، در آخرت باید در زیر سایه های خفقان آور، غلیظ، سیاه و داغ این گناهان زندگی کنند.

آسمان دل این افراد، در دنیا همیشه گرفته و پر از تردید و دودلی و شک و توهم و سوءظن و ... رذایل اخلاقی و گناهان مربوط به دل بود. اینک در قیامت، در سایه ابرهای پردود و غلیظ و خفه کننده اعمالشان طعم مرگ را خواهند چشید.

اگر نمی خواهیم در قیامت در سایه ابرهای متراکم سه شاخه، عذاب شویم، دل هایمان را از: کینه، حسد، عقده، سوءظن، و... خالی کنیم.

ص:105

(116) بهشت و جهنم

بی یار و یاور

... وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ: و در دوزخ یار و یاوری که کمک و دفع عذاب از آن ها کنند، نخواهند داشت.(1)

امام صادق علیه السلام درباره آیه 101 شعرا که به همین مفهوم است فرموده اند: این آیه درباره ما و شیعیانمان است. چون در قیامت ائمه و شیعیان مؤمن، دوستان صمیمی و بستگان خود را شفاعت می کنند. کفار پس از دیدن این صحنه آرزو می کنند: ای کاش پیرو ائمه اطهار بودند تا آن ها و دوستانشان مورد شفاعت قرار می گرفتند.(2)

1- 91 / آل عمران، 101 / شعرا.
2- تأویل الایات الظاهره، ص 386.

بی یار و یاور (117)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: مجازات دردناک آن ها حتمی است و هیچ گونه یاور و حامی در برابر آن کیفر بزرگ برای آن ها وجود نخواهد داشت و شفاعت شفاعت کنندگان نیز شامل حالشان نمی شود.(1)

علامه طباطبایی نوشته است: آن ها از «ناصران» و یاری کنندگان موجود در قیامت منتفع نمی شوند.(2)

در تفسیر راهنما آمده است: کافران، محروم از هریار و یاور در قیامت

(118) بهشت و جهنم

هستند. این مطلب می رساند که در قیامت یاوران و شفیعان هستند؛ ولی فقط کفارازشفاعت آن هامحرومند.(3)

1- تفسیرنمونه، ج 2، ص 501.
2- المیزان، ج 3، ص 561.
3- راهنما، ج 2، ص 535.

یَوْمَ یُحْمی عَلَیْها فی نارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوی بِها جِباهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هذا ما کَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا ما کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ

روزی که (طلاهای ذخیره شده شان) در آتش دوزخ گداخته شوند و پیشانی و پشت و پهلوی آن ها را با آن داغ کنند.(1)

بازتاب جهنمی ثروت های حرام (119)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: انتخاب این سه موضع از بدن برای داغ کردن، یا برای آن است که گرما از این سه نقطه زودتر به درون بدن سرایت می کند.(2)

ص:108

1- 35 / توبه .
2- تفسیرنمونه، ذیل آیه مذکور.

مفسرتفسیرنورنوشته است: برای این است که ثروتمندان باچهره به فقرا عبوس می کنند، با پهلوبی اعتنایی و با کمر، پشت به آن هامی کنند،یااین که مراد از صورت، جلو بدن است و مراد از کمر، عقب بدن و مقصود از پهلو، دو طرف بدن، یعنی کنایه از گداختن همه بدن.(1)

(120) بهشت و جهنم

ابوذر گفته است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار کعبه دوبار فرمودند: به خدای کعبه قسم! آن ها زیانکارترین (مردم) هستند.

پرسیدم: پدر و مادرم فدایت! منظورتان چه کسانی است؟

فرمود: زراندوزان.(2)

1- نور، ج 5، ص 56.
2- مجمع البیان.

در تفسیر راهنما آمده است: گنجینه های ثروت اندوزان را، جهت نقره داغ کردنشان، با آتش دوزخ خواهند گداخت، پیشانی، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلاها و نقره های گداخته، داغ خواهند کرد. شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته، از عذاب های دردناک جهنم است(1)

بازتاب جهنمی ثروت های حرام (121)

چهره پردازی جهنم!

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النّارُ وَ هُمْ فیها کالِحُونَ

آتش جهنم (همچون شمشیر بر آن ها می خورد و) صورت هایشان را می سوزاند و در جهنم (با قیافه ها و صورت های) بسیار

ص:110

1- راهنما، ج 7، ص 96.

زشت زندگی می کنند(1)

و وقتی پوست هایشان سوخت: كُلَّما نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ: هروقت پوست های آن ها بسوزد و بیفتد، پوست دیگری به جایش می گذاریم.(2)

(122) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است: آتش هرلحظه و پیوسته صورت های دوزخیان را می سوزاند. کفار در دوزخ هم عذاب جسمی دارند و هم توبیخ و عذاب روحی.

تغییر صورت توسط آتش، مایه تحقیر گناهکاران می گردد.(3)

مفسر تفسیر نمونه هم آورده است:

ص:111

1- 104 / مؤمنون، 66 / احزاب، 15/ معارج.
2- 56 / نساء .
3- نور، ج 8، ص 131.

شعله ها گرم و سوزان آتش، همچون شمشیر به صورت هایشان نواخته می شود... و آن ها از شدت ناراحتی و عذاب در دوزخ، چهره ای عبوس و درهم

کشیده دارند. بر اثر شعله های آتش پوست صورتشان درهم کشیده می شود بطوری که لب هایشان از هم باز می ماند.(1)

در تفسیر راهنما آمده است: صورت زیانکاران دوزخی، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ است. جمع شدن پوست ها، با رسیدن حرارت آتش دوزخ. بدمنظری دوزخیان، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آن ها آشکارماندن دندان هایشان.(2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: هنگامی که اهل جهنم را به سوی آن

1- تفسیر نمونه، قرطبی، فخر رازی، مجمع البیان، المیزان، ذیل آیه مورد بحث.

2- راهنما، ج 12، ص 154.

(124) بهشت و جهنم

سوق دهند، آتش جهنم با سرعت با آن ها روبرو خواهد شد. پس آن ها را به گونه ای خواهد سوزاند که گوشتی بر استخوان باقی نخواهد گذاشت؛ مگر این که بر پاشنه پاهایشان می ریزد.(1)

قالَ اخْسَؤُا فیها وَ لا تُکَلِّمُونِ: به آن ها (دوزخیان) خطاب شود: ای سگ ها! در دوزخ بمانید و با من (خداوند متعال) حرف نزنید!(2)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: جمله «اِخْسَئوا» که به صورت فعل امر

است معمولاً برای دور کردن سگ به کار می رود، و هرگاه درمورد انسانی

1- الدرالمنثور، ج 6، ص 118.
2- 108 / مؤمنون، 51 / اعراف .

گفته شود، به معنی (نهایت) پستی او و مستحق مجازات بودن است(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: با کسی که شراب می نوشد ننشینید که آن ها سگان دوزخند، سپس این آیه را تلاوت فرمود:

قالَ اخْسَؤُا فیها ...(2)

گفته شده است که دوزخیان پس از شنیدن «اخسئو» به صورت قطعه گوشتی در می آیند که فقط نفس می کشند.(3)

(126) بهشت و جهنم

در تفسیر راهنما آمده است: حقارت و ذلت شدید کفار در دوزخ و خداوند بیزار و خشمگین از سخن گفتن دوزخیان با اوست.(4)

ص:114

1- تفسیرنمونه،ج14،ص338.
2- بحارالانوار، ج76،ص147.
3- درالمنثور.
4- راهنما، ج 12، ص 159.

آری: کسانی که در این دنیا بی دلیل و به خاطر کبر و نخوت و خود بزرگ بینی و سایر رذایل اخلاقی دیگران را با زبان رنج می دهند و تحقیر می کنند، به آن ها انواع و اقسام جمله ها و کلمات رکیک و بی ادبانه و گستاخانه می گویند و دل مؤمنان مظلوم را می سوزانند، در قیامت با شنیدن کلمه «اِخْسَئو» تنبیه و مجازات می شوند!

تکبّر در دنیا، تحقیر در آخرت (127)

مشاجره بی پایان جهنّمیان با هم

... وَ هُمْ فيها يَخْتَصِمُونَ: و در دوزخ با هم به مخاصمه درگیری و دعوا می پردازند.(1)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

در میان دوزخیان، جدال، جر و بحث و مخاصمه وجود دارد. در قیامت

1- 96 / شعرا، 61 / ص، 27 / ق .

عشق های نامقدس و غیرالهی به کینه تبدیل می شود. در قیامت

هرکس تقصیر را به گردن دیگری می اندازد.فضای دوزخ همیشه پرازملامت وخصومت ولعنت است.(1)

(128) بهشت و جهنم

آن ها (دوزخیان در دوزخ) به مخاصمه و نزاع و جدال باهم می پردازند.(2)

در تفسیر راهنما آمده است: مشاجره و دشمنی، گمراهان با یکدیگر در دوزخ حتمی و عذاب روحی علاوه بر شکنجه جسمی برای دوزخیان وجود دارد.(3)

آری: همین طور که در این دنیا، گمراهان و گناهکاران به هم اعتماد نداشته، به هم بدبین بوده و در صدد ضربه زدن به هم هستند تا در جنگ تنازع بقا، خودساخته پیروز شوند، در آخرت نیز این افراد باهم در نزاع و درگیری خواهند

1- نور، ج 8، ص 336.
2- تفسیرنمونه،ج15،ص270.
3- راهنما، ج 13، ص 118.

بود. در آن جا نیز تقصیر بر گردن یکدیگر می اندازند. و همدیگر را

مشاجره بی پایان جهنّمیان با هم (129)

متهم می کنند! فضای دوزخ پر از درگیری ها و جنگ اعصاب است.

این درگیری و نزاع، موجب عذاب روحی کفار و گناهکاران است؛ همانطور که درگیری های آن ها در دنیا، موجب رسیدن آزار به مؤمنان و مظلومان می شد!

سر به زیری و پشیمانی ابدی

وَ لَوْ تَری اِذِالْمُجْرِمُونَ ناكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ...: و اگر تو حال بدکاران را ببینی که چگونه نزد پروردگارشان سر به زیر و پشیمان و ذلیلند...(1)

مفسر تفسیرنمونه نوشته است:

اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده

(130) بهشت و جهنم

می گویند:

1- 12 / سجده.

... ما پشیمانیم... به راستی تعجب می کنی که آیا این افراد سر به زیر و نادم و پشیمان، همان مغروران سرکش و چموش هستند که در دنیا در برابر هیچ حقیقتی سر فرود نمی آوردند؟ اما اکنون که صحنه های قیامت را می بینند و به مقام شهود می رسند به کلی تغییر موضع می دهند.(1)

... فَلْيَذُوقُوهُ حَميمٌ وَ غَسّاقٌ: و آنجا، آب داغ و تیره رنگ «حمیم» و «غساق» را باید بنوشند.(2)

نوشابه های داغ و متعفن جهنم (131)

مفسر تفسیرنمونه نوشته است:

ص:118

1- تفسیرنمونه، ج 17، ص 136.
2- 57 / ص، 16 / ابراهیم، 67 / صافات، 15 / محمد، 5 / غاشیه.

«راغب» در «مفردات» آن «غَسّاق» را به قطراتی که از پوست تن دوزخیان (و جراحات بدن آن ها) بیرون می آید تفسیر کرده است.

به هرحال از پاره ای کلمات برمی آید که «غَسّاق» بوی بسیار بد و زننده ای دارد که همگان را ناراحت می کند.(1)

علامه طباطبایی آورده است: کلمه «حَمیم» به معنای حرارت بسیار زیاد است و کلمه «غَسّاق» به طوری که در مجمع آمده به معنای چرکی است که

تعفن بسیار داشته باشد... خود طاغیان نمی خواهند از حمیم و غساق بخورند، ولی مجبورشان می کنند به خوردن.(2)

1- تفسیرنمونه،ج19،ص320.
2- المیزان، ج 17، ص 348.

در تفسیر نور آمده است: عذاب های دوزخ متنوع و گوناگون است.(1)

درتفسیرراهنماآمده است: آب داغ و خونابه چرکین، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ است. انواع نوشیدنی ها و غذاهای دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین، به طغیانگران دردوزخ خورانده می شود.(2)

همنشینی با شیاطین در جهنم (133)

... قالَ قَرِینُهُ ...: آنگاه همنشین او (شیطان) می گوید...(3)

علامه طباطبایی نوشته است: معنای جمله این است که: آن شیطانی که یک عمر با او بود و گمراهش می کرد...(4)

ص:120

1- نور، ج 10، ص 121.
2- راهنما، ج 15، ص 613.
3- ق 27.
4- المیزان، ج 18، ص 556.

آیه اللّه مکارم شیرازی آورده است: کفار لجوج با شیطان مخاصمه و جر و بحث می کنند و همه گناهان خود را به گردن شیطان اغواگر می اندازند. ولی شیطان قرین او می گوید: من اورا به اجبار به این راه نیاوردم، من سلطه ای بر شما نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم...(1)

(134) بهشت و جهنم

خداوند می فرماید: نزد من جدال نکنید! من قبلاً به شیطان گفته ام که: بطور مسلم دوزخ را از تو و پیروانت پر خواهم کرد.(2)

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: آن قرین، شیطان است.(3)

امام علی علیه السلام نیز فرموده اند: پس چگونه تحمل می توان کرد که در میان

1- تفسیر نمونه، ج 22، ص 272.
2- تفسیر نمونه، ج 22، ص 272.
3- بحارالانوار، ج 5، ص 323.

دو طبقه آتش، در کنار سنگ های گداخته، همنشین شیطان باشید؟(1)

چه سخت و دردناک است که انسان با باعث و بانی عذاب و فریب دهنده خویش در دوزخ، همنشین شود!

همنشینی با شیاطین در جهنم (135)

البته دوزخیان در این دنیا، همنشین و دوستان صمیمی شیطان هستند. اندیشه ها و اعمالشان را بروفق رضایت او تنظیم می کنند و او را در گوشه دل خویش، همان جایی که باید مخصوص حضرت حق باشد، جا داده اند. طبیعی است که در آخرت، این مونس مکار، در کنارشان باشد و طعم مصاحبت با او را کاملاً بچشند.

ص:122

1- نهج البلاغه، خطبه 183.

یَطُوفُونَ بَیْنَها وَ بَیْنَ حَمیمٍ انٍ: کفار در بین آتش و آب سوزان دوزخ می دوند.(1)

(136) بهشت و جهنم

مفسرتفسیرالمیزان دراین باره نوشته است:

«حمیم آن» داغی است که داغی اش به نهایت رسیده باشد و معنایش این است که: آن جهنمی که مجرمین آن را دروغ می پنداشتند، اینک بین این آتش و بین آبی به نهایت داغ می آیند و می روند.(2)

آیه اللّه مکارم شیرازی نوشته است:

1- 44 / رحمن .
2- المیزان، ج 19، ص 215.

آن ها از یک سو در میان شعله های سوزان جهنم می سوزند و تشنه می شوند و تمنای آب می کنند و از سوی دیگر آب جوشان به آنها می دهند (یا بر سرشان

می ریزند) و این مجازاتی است دردناک. از بعضی از آیات قرآن استفاده می شود که چشمه سوزان حمیم در کنار جهنم است که نخست دوزخیان را در آن می برند و سپس درآتش دوزخ می افکنند.(1)

مفسر تفسیر راهنما نیز نوشته است: حرکت مجرمان دوزخی، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن است. دوزخیان دارای توان و اختیاری محدود برای حرکت و جابجایی در دوزخ هستند.(2)

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 158.
2- راهنما، ج 18، ص 333.

آتشگیره دوزخ

(138) بهشت و جهنم

... نارا وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَةُ: آتشی که مردم کافر و سنگ خارا آتش افروز آنند.(1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

آتش دوزخ، مانند آتش های این جهان نیست، شعله های آن از درون وجود خود انسان ها (ی گناهکار) زبانه می کشد! و از درون سنگ ها.... از درون همه سنگ ها.... اگر نیروی ذخیره اتمی سنگ ها آزاد شود، چنان آتشی برپا می کند که انسان خیره می شود.

بعضی از مفسران «هجاره» را به بت هایی تفسیر کرده اند که از سنگ ساخته

1- 6 / تحریم .

آتشگیره دوزخ (139)

می شد و مورد پرستش مشرکان بود(1)

مفسر تفسیر المیزان آورده است:

اگر انسان های معذب در آتش دوزخ را آتش گیرانه دوزخ خوانده، بدین جهت است که شعله گرفتن مردم در آتش دوزخ به دست خود آنان است... کلمه «هجاره» را بعضی تفسیر کرده اند به بت ها(2)

در تفسیر راهنما آمده است: دوزخیان و سنگ های دوزخ، سوخت آتش جهنم است(3)

1- تفسیرنمونه،ج24،ص286.
2- المیزان، ج 19، ص 673.
3- راهنما، ج 19، ص 177.

(140) بهشت و جهنم

اِنَّها تَرْمی بِشَرَرٍ کَالْقَصْرِ. کَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ

هریک از شراره های آتش به اندازه قصری است. (یا) گویی شبیه به شترهای زردموی است.(1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: تعبیر به «قصر» (کاخ) تعبیر پرمعنایی است (زیرا) این قصرها و کاخهای ستمکاران هستند که منشاء شعله های سوزان و

آتشی به بلندای قصر (141)

آتش های شرربارند... این جرقه ها از نظر حجم به کاخ بزرگ و از نظر رنگ و کثرت و سرعت حرکت و پراکنده شدن به هرسو به گروهی از شتران زردرنگ تشبیه

ص:127

1- 32و33 / مرسلات .

شده که به هرسو روانند.(1)

در تفسیر المیزان آمده است: کلمه «شرر» به معنای زبانه هایی است که از آتش به بالا پرواز می کند و معنا قصر (هم که) معروف است و کلمه «جماله» به معنای شتر نر است.(2)

مفسر تفسیر راهنما آورده است: شراره های برخاسته از آتش دوزخ،

مانند شتران زردرنگ است. شراره های آتش دوزخ بسیار انبوه، به هم پیوسته و پرجنبش است. شراره افکنی دوزخ به بلندی کاخ ها است.(3)

1- نمونه، ج 15، ص 419.
2- المیزان، ج 20، ص 425.
3- راهنما، ج 19، ص 656.

آتشی که دل ها را می سوزاند!

اَلَّتی تَطَّلِعُ عَلَی الاْفْئِدَهِ اِنَّها عَلَیْهِمْ مُؤْصَدَهٌ فی عَمَدٍ مُمَدَّدَهٍ: آتشی که دل ها را می سوزاند و آن ها را از هرطرف فرا می گیرد. در ستون های آتش کشیده و طولانی.(1)

آتشی که دل ها را می سوزاند (143)

مفسر تفسیر راهنما نوشته است: باطن و روح انسان در قیامت از آتش جهنم در عذاب است. سوختن انسان در جهنم از درون او آغاز می شود. راه خروج از جهنم بر دوزخیان بسته است. جهنمیان در عمودهایی بلندبه بندکشیده می شوند.(2)

در تفسیر المیزان آمده است: مراد از اطلاع آتش بر قلوب این است که آتش

ص:129

1- 7 تا 9 / همزه .
2- راهنما، ج 20، ص 737.

دوزخ باطن آدمی را می سوزاند، همان طور که ظاهرش را می سوزاند. احدی از آن ها بیرون از آتش نمی مانند و از داخل آن نجات نمی یابند... عمد ممدده نیز گل میخ هایی است که اهل عذاب را با آن میخکوب می کنند.(1)

(144) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: این آتش برخلاف همه آتش های دنیا... اول بر دل ها شراره می زند و درون را می سوزاند و سپس به داخل نفوذ می کند...

خداوند آن ها را در آتش دربسته دوزخ که راه نجاتی از آن نیست زندانی می کند!

عمد ممدده را تعبیر به میخ های عظیم آهنی کرده اند که درهای جهنم محکم با

1- المیزان،ج20،ص827.

آن ها بسته می شود به گونه ای که راه خروج مطلقا وجود ندارد.(1)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: کفار و مشرکین در قیامت اهل توحید را که به خاطر گناهانشان وارد آتش شده اند، سرزنش می کنند. آنها می گویند:

آتشی که دل ها را می سوزاند (145)

امروز نمی بینم که توحید شما دردی از شما دوا کند! چون خدا بین ما و شما فرقی نگذاشته است. در این هنگام، خداوند برای اهل توحید غیرت به خرج می دهد و به فرشتگان دستور می دهد: شفاعت اهل توحید را بکنید!

آن ها، هرکس را که خداوند بخواهد، شفاعت می کنند. سپس به انبیاء دستور داده می شود: شفاعت کنید!

آن هانیز هرکس را که خدا بخواهد شفاعت می کنند.

1- تفسیرنمونه، ج27،ص 317.

سپس به مؤمنین دستور می دهد: شفاعت کنید!

مؤمنین نیز هرکس را که خدا خواسته باشد از اهل توحید شفاعت می کنند.

سپس خداوند رحمان می فرماید: من از همه این ها مهربانترم! (ای اهالی

توحید و خداپرستان گناهکار) به وسیله رحمت من از آتش خارج شوید. آنگاه همه (مؤمنان گناهکار) مانند مور و ملخ از آتش بیرون می آیند.

سپس «دیوار دوزخ» کشیده می شود و راه نجات را بر کفار و مشرکان می بندد و به خدا سوگند که خلود «جاودانگی کفار و مشرکین در دوزخ» از همین جا شروع می شود.(1)

1- مجمع البیان و المیزان، ج 20، ص 828 و 829.

آری: کسانی در این دنیا، با کارها و اعمال و سخنان خویش، دل دیگران را می سوزانند.

در قیامت گرفتار آتشی می شوند که دل هایشان را می سوزاند.

آتشی که دل ها را می سوزاند (147)

کشیدی مؤمنان در بند و زندان شکستی دست و پای رادمردان

به تخت آرزوها شاد بودی بچش زندان و درد و رنج و خسران(1)

1- مؤلف.

(148) بهشت و جهنم

بهشت در قرآن

از بهشت بسیار گفته ایم و شنیده ایم. هرگاه خواسته ایم بهترین منظره یا پرآسایش و آرامش ترین جایی را توصیف کنیم، آن را به بهشت تشبیه کرده ایم و... .

اما، آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که بهشت، دارای چه شرایطی است؟ چه نعمت هایی در این سرزمین آرزوهای اولاد آدم قرار دارد؟ در کجا قرار گرفته و وسعت آن چقدر است، چه مراتب و درجاتی دارد؟ چگونه ساخته شده و اعمال و کارهای ما در ساخته شدن بهشت چه نقشی دارد، در بهشت چگونه زندگی خواهیم کرد، چه کسانی را می بینیم و روزگار ما در آنجا چگونه سپری خواهد شد؟ آیا کاری کرده ایم که شایسته ورود به باغ ها و بستانها و قصرهای

بهشت در قرآن (149)

بهشتی شویم؟ و...

دراین بخش ازکتاب، سعی شده است که به زبان ساده و روان اما کاملاً مستند، به این سؤالات پاسخ داده شود.

پرواضح است که، آنچه در قرآن کریم در خصوص بهشت مطرح شده، عبارت از بیان نشانه هایی مطابق با درک و فهم انسان است، نه آنچه واقعا موجود است. زیرا:

ما فعلاً در محدوده زمان دنیوی قرار داشته و با موضوعات نسبی سر و کار داریم، خداوند متعال نیز در این حد از نعمت های فوق تصور بهشتی برای ما سخن گفته است. مثل اینکه شما بخواهید برای فرزند 3 یا 4 ساله خویش از لذت و انس ازدواج بگویید! در این صورت باید مفاهیم بزرگ و لذت های عمیق این کار را،

(150) بهشت و جهنم

به زبانی ساده و در حد درک این کودک مطرح کنید مثلاً سخنی از دوستی دو نفر بگویید. درک آن طفل از دوستی چیزی است و حقیقت ازدواج و عالم تأهل و لذت های خاص آن چیز دیگر!

این مثال را از آن جهت آوردم که وقتی سخن از نعمت های بهشتی نظیر: باغ ها، نهرها، میوه ها، زنان، غلمان، حوریه ها و... می شود کسی نگوید: این ها که بطور نسبی در این جهان هم هست!

نه! من و شما این ها را می شناسیم و خداوند سبحان به دلیل شناخت ما، از این نشانه ها برای انتقال مفاهیم بزرگ استفاده کرده است ؛ نه اینکه واقعا لذت های بهشتی در این ها خلاصه شود و...

اکنون، پس از بررسی و تفحص در آیات قرآن کریم و احادیث

بهشت در قرآن (151)

چهارده معصوم علیهم السلام مجموعه ای مستند درباره بهشت فراهم شده است.

خداوند سبحان را سپاس می گویم که توفیق قلم زدن در راه ارزشهایش را به من عطا فرموده است و ضمن پوزش از درگاه ربوبی او به خاطر قصورهای این قلم، از او طلب قبولی این وجیزه و از بندگان خوب او نیز استدعای دعا دارم. والحمدللّه رب العالمین.

عباسعلی کامرانیان

ص:137

(152) بهشت و جهنم

امام علی علیه السلام

اگر به چشم دل خود، توصیفی را که از بهشت برایت می شود ببینی، از آنچه در دنیا است، از خواهش ها و لذت ها و مناظر آراسته و زیبایش، دل می کنی و اندیشه ات حیران می ماند!

چگونه (می توانی) در آواز برگ های درختانش بیندیشی، درختانی که در کناره های رودهایش روییده اند و ریشه در تپه های مشک فرو برده اند و خوشه های مرواریدِ تر از شاخه های نازک و درشتشان آویزان است.

میوه های مخلتف، در غلاف گل ها جا گرفته اند و بدون هیچ زحمتی می توان آن ها را چید و آن طوری که آرزوی چیننده است، در دستش قرار می گیرند. برای بهشتیان، در اطراف کاخهایشان عسل های پالوده و شراب های زلال در

گردش می آورند و... .

اگر برای رسیدن به آن منظره های زیبا دل مشغول داری، به یقین به شوق وصال آن، جان از تنت به پرواز درآید و برای رفتن و رسیدن (به بهشت) آن قدر شتاب کنی که از همین مجلس من رخت به کنار مرده ها کشی!

خداوند ما و شما را با رحمت و مهربانی خویش از کسانی قرار دهد که با دل (و تمام وجود) می کوشند تا به منازل نیکان (در بهشت جاودانه) رسند. (1)

امام علی علیه السلام : هرگز چیز(زیبا و ارجمندی)مانند بهشت ندیدم که خواستارانش در خواب غفلت باشند. (2)

1- نهج البلاغه، خطبه 164.
2- نهج البلاغه، خطبه 28 .

(154) بهشت و جهنم

لذت های ناب ناب

نهرهای: آب زلال، شیر شیرین، عسل مصفا و شراب طهور

چشمه های: کوثر، تسنیم، سلسبیل، کافوریه، زنجبیله و...

هدیه های دائم و ماندگار

بخشش ها و برکات فوق تصور

غذاهای آماده و طیب

نزولِ عِنْدَ مَلیکٍ مُقْتَدِر

سرزمین های آرزوهای اولاد آدم (155)

فردوس برین

غرفه های والا و بالا

ص:140

نظر به معشوقه خاص و عام و نظر معشوقه به انسان!

باغ های سرسبز و شاداب

میوه های در دسترس و خوشگوار

همسران زیبا و عفیف

احساس رضایت کامل از زندگی

همنشینی با پیامبران و ائمه اطهار و...

آسایش و آرامش جاودانه

آمرزش و مغفرت

(156) بهشت و جهنم

زدوده شدن همه زنگارها از قلوب

کاخ ها و قصرهای سر به فلک کشیده

ص:141

گفتگو با خداوند متعال

همنشینی با فرشتگان

تماشای رحمت واسعه الهی

صورت های نورانی، سفید و درخشان

سایه های دائمی و دل انگیز

تخت های زرین

محیطی کاملاً دوستانه

دوری از رنج و سختی

سرزمین های آرزوهای اولاد آدم (157)

جنّات عدن

نغمه ها و آواهای موزون و نشاط آور

ص:142

رهایی ابدی از غم و ترس

دستبندهای طلا و مروارید

لباس های حریر

همه چیز آماده و در جای خود

درجات عالی

منازل کاملاً راحت

شادی و شعف فوق العاده

امنیت کامل و دائم

(158) بهشت و جهنم

پاداش های عظیم

روزی مخصوص!

ص:143

ملاقات با نگاهبان بهشت

نوشیدنی های گوارا و فرحبخش

جام های طلا و نقره

عمر جاوید

رهایی از دوزخ

سلامتی کامل و منحصر به فرد

دیدار والدین و فرزندان!

گوشت های کباب شده لذیذو فراوان

سرزمین های آرزوهای اولاد آدم (159)

خدمتکاران آماده خدمت ومرواریدگون

فرش های عالی

ص:144

درختان میوه با میوه های در دسترس

برخوردهای آکنده از صفا و محبت

تپه ماهورهای مشک فام

روتختی های بهشتی!

آبشارهای آسمانی!

انوار قدسی

شراب خاص سر به مهر(رحیق مختوم)

فواره تسنیم

(160) بهشت و جهنم

اعتدال هوا

شراب زنجبیل

ص:145

آه، چه باید گفت و چگونه می توان شنید؟!

وعده ما، سرزمین آرزوهای آدمیان

انشاء اللّه

امام علی علیه السلام : هرنعمتی بدون بهشت ناچیزاست.(1)

1- نهج البلاغه، حکمت 387 .

1 نهج البلاغه، حکمت 387 .

سرزمین های آرزوهای اولاد آدم (161)

اهمیت توجه به بهشت

بهشت سرزمین موعود انسان است. همه خواسته ها، آرزوها و امیال و اهداف ما در این جایگاه رویارویی تحقق می یابد. بر این اساس، کاملاً عاقلانه، منطقی و مطابق با آینده نگری و دوراندیشی است که همه اندیشه ها، گفتارها و اعمال خویش رابه سمت و سویی قراردهیم که مارا به این منزلگاه منحصربه فرد برساند.

بهشت، هدف نهایی و عالی

برخی اهداف، خود وسیله برای هدف برترند ؛ به تعبیر دیگر اهداف دو گونه اند:

1 اهداف متوسط و مقدماتی 2 اهداف اصلی و غایی

انسان وقتی به اهداف مقدماتی می رسد، هنوز می پرسد هدف چیست؟! اما آن

گاه که به هدف نهایی و غایی دست می یازد دیگر پرستی ندارد. درست مانند

محصلی که هدف از درس خواندن را رسیدن به دانشگاه و هدف از دانشگاه رفتن را دکتر یا مهندس شدن و هدف از آن را خدمت به مردم و پولدار شدن و زندگی مرفه و ایده آل داشتن می داند. وقتی از او پرسیده شود هدف از زندگی ایده آل برای تو چیست ؟

پاسخ می دهد هیچ، زیرا زندگی ایده آل هدف اصلی اوست.

رسیدن به بهشت نیز هدف اصلی هر انسان است و معنا ندارد با رسیدن به هدف نهایی بپرسیم هدف از آن چیست و بعد از آن چیست و بعد از آن به کجا می روی؟ زیرا بهشت، مکان رسیدن به زندگانی جاودانه است ؛ انسان هرچه در این دنیا کاشت در آنجا درو می کند و از آن بهره می برد ؛ مقصد نهایی است.

اهمیت توجه به بهشت (163)

ملاک انتخاب بدی و خوبی دراین دنیاست، لذا وقتی به آخرت رسیدیم،دیگر پرسیده

ص:148

نمی شودهدف ازاین مقصدچیست؟ (1)

بنابراین، چنانچه کسی یا کسانی بدون توجه به این نعمت بزرگ در اثر جهل و غفلت وگناه وآلودگی ازبهشت صرفنظرکرده و خودرا دردوزخ گرفتارسازند،چقدر باعث افسوس و ناراحتی است؟!

امام علی علیه السلام با آه و افسوس از مردمی یاد می کند که از توجه به بهشت: غافل شده اند:

خدایا!... خانه آخرت را آفریدی و سفره رنگارنگ نعمت ها را در آن گستردی.

در آن انواع نوشیدنی ها، خوردنی ها، همسران، مهمانداران، قصرها، نهرهای روان، میوه ها و کشتزارهای قراردادی. سپس پیامبری را فرستادی تا انسان ها را به آن خانه و نعمت ها دعوت کند.

1- کشف المراد، صفحات 411 تا 427 .

افسوس که مردم نه آن دعوت کننده را اجابت کردند و نه به آنچه تو ترغیبشان کرد رغبت نشان دادند و نه به آنچه تو تشویقشان کردی مشتاق شدند. (بلکه جاهلانه، غافلانه و گناه آلوده)بر لاشه مردار (دنیایی) روی آوردند که باخوردنش رسواشدند... [(1)]

نام های بهشت (165)

در قرآن کریم نام های متعدد بهشت ذکر شده است این اسامی عبارتند از:

1 دارُالاْخِرَه ؛ به معنای خانه آخرت (2)

2 دارُالسَّلام ؛ به معنای سلامتی (3)

ص:150

1- نهج البلاغه، خطبه 109 .
2- نهج البلاغه، خطبه 109
3- 94/بقره،109/یوسف و... .

3 دارُالْمُتَّقين ؛ به معنای خانه پرهیزکاران (1)

4 دارُالْقَرار ؛ به معنای خانه ابدی (2)

5 دارُالْمُقامَه ؛ به معنای خانه اقامت (3)

6 جَنَّت ؛ به معنای باغ پردرخت که با سایه خود زمین را می پوشاند(4)

7 جَنّات عَدْن ؛ به معنای بهشتی که خداوند آدم را در آن قرار داد (5)

1- 127 / انعام، 25 / یونس .
2- 39 / غافر.
3- 35 / فاطر .
4- 82 و 111 و 214 / بقره .
5- 72 / توبه، 23/ رعد و... .

8 جَنّاتُ الْمَأْوی ؛ (1)

9 جَنَّهُ الْخُلْد ؛ به معنای بهشت جاویدان(2)

10 جَنّاتُ الْفِرْدَوْس ؛ به معنای باغهائی که تمام محاسن و مزایای

یک باغ کامل را دارد (3)

11 جَنّاتُ النَّعیم ؛ به معنای بهشت های پرنعمت (4)

12 جَنَّهٌ عالِیَه ؛ (5)

1- 19 / سجده .
2- 15 / فرقان .
3- 107 / کهف .
4- 65 / مائده، 9 / یونس .
5- 22 / حاقه، 10 / غاشیه.

13 رَوْضاتُ الْجنان ؛

14 عِلِّيُّون ؛ به معنای محل نوشته ابرار و کتابی است نوشته شده

15 اَلْحُسْنی ؛

16 طوبی ؛

(168) بهشت و جهنم

17 فضل ؛(1)

وسعت بهشت

در قرآن کریم آمده است:

وَ سارِعُوا اِلی مَغْفِرَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ جَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمواتُ وَ الْأَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقینَ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی

ص:153

1- دانستنی های قرآن .

که وسعت آن، آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است.(1) مراد از «عَرْض» در آیه شریف، پهنا و گستردگی است. در زبان عربی، هنگامی که

می خواهند بگویند فلان شی ء از وسعت برخوردار است. واژه «عَرْض» را به کار می برند.

عبارت «جَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمواتُ وَ الاْرْضُ» کنایه از این است که بهشت از نظر گستره، به اندازه ای وسیع است که به نهایت وسعت رسیده است و یا به قدری است که قوه واهمه بشری از درک گستره آن ناتوان است هرچند معاد جسمانی است و بهشتیان و جهنمیان با وجود جسمانی، پاداش و کیفر داده می شوند، ولی بهشت و جهنم ویژگی های این جهان مادی را ندارند، زیرا با

1- 133 / آل عمران .

برچیده شدن این جهان مادی و تمام کرات آسمانی و ویران شدن آنها، قیامت آغاز می شود «یَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ غَیْرَ الْاَرْضِ وَ السَّمواتُ وَ بَرَزُوا لِلّٰهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ» در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمان ها به آسمان های دیگر

مبدل می شود و آنها در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند ؛ (1)«اِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ. وَ اِذَا النُّجُومُ انْکَدَرَتْ»، هنگامی که خورشید درهم پیچیده شود و هنگامی که ستارگان بی فروغ شوند ؛(2) «اِذَا السَّماءُ انْفَطَرَتْ وَ اِذَا الْکَواکِبُ انْتَثَرَتْ»، هنگامی که آسمان از هم شکافته شود، هنگامی که ستارگان از هم پراکنده شوند و فرو می ریزند. (3)

1- 48 / ابراهیم .
2- 1 و 2 / تکویر .
3- 1 و 2 / انفطار .

بنابراین، بهشت و جهنم در عالم دیگری فوق این جهان مادی است و ویژگی های این جهان مادی راندارد.آن عالم ازنظرگستره به اندازه ای است که وسعت

وسعت بهشت (171)

بهشت به مقدار آسمان ها و زمین است و جهنمی از وسعتی برخوردار است که همه گناهکاران در آن جای می گیرند. (1)

در روایت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که اگر وسعت بهشت، آسمان ها و زمین است، پس دوزخ کجاست؟ فرمودند:چون شب آید، روز کجاست؟ (2)

1- ر.ک المیزان، ج 4، ص 20 ؛ بحارالانوار، ج 8، ص 83 و ج 66، ص 57؛ سید شریف رضی، حقایق التأویل فی المتشابه التنزیل، ص 241 .
2- عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 463؛ فضل بن شاذان قمی، الفضائل، ص 150 .

ب) منظور از «نزدیک کردن» (اُزْلِفَت) یعنی در پیش رویشان باشد و داخل

شدنشان در آن زحمتی نداشته باشد و اینکه بهشت را به آنها نزدیک می کنند، نه آنها را به بهشت، درک آن در شرایط این دنیا قابل تصور نیست، اما از آنجا که اصول حاکم بر قیامت و آخرت، اصولی است که با شرایط این جهان بسیار تفاوت دارد، بسی جای شگفتی نیست.(1)

همچنین درباره وسعت بهشت در تفسیر مجمع البیان آمده است: پایین ترین فرد بهشتی، وسعت زمینش به اندازه ای است که وقتی نگاه می کند فاصله هزار سال راه را می بیند. (2)

1- المیزان، ج 4، صفحات 32 و 43 .
2- مجمع البیان، ج 9، ص 10 .

وسعت بهشت (173)

در لآلی الاخبار آمده است که: جبرئیل به حضرت حق عرضه داشت: اگر اجازه فرمایید من وسعت بهشت را ببینم خدا به او اجازه داد و جبرئیل سی هزار سال پرواز کرد و به جایی نرسید و خسته شد. پس از خدا قوه و نیروی تقاضا کرد خدای متعال نیروی او را دو برابر قرار داد و سی هزار سال دیگر پرواز کرد و خسته شد و باز از خدا تقاضای نیرو کرد و خداوند درخواست او را اجابت کرد و او سی هزار مرتبه چنین کرد در این اثناء حوریه ای سر از غرفه خود بیرون کرد و گفت: ای جبرئیل! بدون جهت خود را به زحمت نینداز زیرا در طول این مدت پرواز خود هنوز از ملک یک مؤمن که خدا برای او خلق کرده خارج نشده ای. (1)

(174) بهشت و جهنم

برای درک وسعت، به عنوان مثال امام علیه السلام فرموده اند:

1- اسرار معراج، ص 251 .

بوی عطر نعمت های عادی بهشت از فاصله ای به طول هزار سال مسافت دنیا استشمام می شود و منزل کوچکترین افراد بهشتی به قدری وسیع است که اگر تمام جن و انس در آن وارد شوند می تواند همه آنها را در خود جای دهد و از جهت غذا و نوشیدنی قادر است از تمام آنان پذیرایی نماید، بدون آنکه دچارنقص و کمبود گردد. (1)

بهشت دارای مراتب و درجاتی است. لذت های مادی و معنوی بهشت نیز

متفاوت و، دو مراتب است، زیرا تفاوت مقام های اولیاء اللّه ایجاب می کند که درجه های آنها در بهشت متفاوت باشد ؛ بهشت «مقربین» با «اصحاب الیمین»

1- تفسیر قمی، ج 2، ص 82 .

متفاوت است ؛ بهشت کسانی که در قله های ایمان و معرفت و اعمال صالح قرار دارند با کسانی که در مراتب پایین ترند، فرق دارد. برخی از مراتب بهشت و قسمت زیادی از نعمت ها و لذت های آن اعم از مادی و معنوی برای ما در دنیا قابل درک نیست، تا قرآن آنها را برای ما بیان کند، از طرفی اکثر مخاطبان، عامه مردم هستند که با امور محسوس و ملموس مأنوس ترند.

قرآن کریم علاوه بر این که نعمتهای مادی و مقام های پایین بهشت را بیان کرده، به برخی از نعمت ها و مقام های عالی بهشت نیز اشاره کرده است، اما از آنجا که این مواهب و نعمت ها و مقام ها در وصف نمی گنجد و دیدنی و لمس

کردنی است، نه گفتنی و شنیدنی، لذا در آیات قرآنی غالبا اشاره های سربسته ای به آن شده است، جز در مواردی که قابل شرح و بیان بوده که در آنجا قرآن به

شرح و بیان آنهاپرداخته است.

قرآن مجید در مورد بهشت و مقام های آن فقط: «جَنّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَاالاَنْهارُ» نفرموده، بلکه تعبیرهای متفاوتی دارد که هرکدام می تواند اشاره به مرتبه و درجه ای از بهشت باشد، که هرکس به اندازه شایستگی و لیاقت و عمل خودازآن بهره مند خواهد شد.(1)

درباره طبقات بهشت اگرچه در قرآن و احادیث اسلامی تصریحی نشده

درجات بهشت (177)

است، ولی از همین منابع به دست می آید که بهشت مراتب مختلفی دارد: مانند: آیات 95 و 96 سوره نساء «... فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدینَ بِاَمْوالِهِمْ وَ اَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدینَ دَرَجَةً وَ کُلاًّ وَعَدَ اللّهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدینَ عَلَی الْقاعِدینَ

1- پرسمان قرآنی معاد، ص 217 .

اَجْرا عَظیما. دَرَجاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ کانَ اللّهُ غَفُورا رَحیما» ؛ خدا مجاهدان به مال و جان را بر خانه نشینان برتری داده و همه (اهل ایمان) را وعده نیکو فرموده و خداوند مجاهدان را بر خانه نشینان پاداشی بزرگ مزیت و برتری بخشیده است، درجات (مهمّی) از ناحیه خداوند و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می گردد) ؛ و (اگر لغزش هایی داشته اند) خداوند آمرزنده و مهربان است. «...فَاُولئِکَ لَهُمْ جَزاءُ الضِّعْفِ بِما عَمِلُوا وَ هُمْ فِی الْغُرُفاتِ امِنُونَ»(1) ؛ پس برای

آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده اند آنان در غرفه های (بهشتی) در نهایت امنیت خواهند بود.(2)

1- 37 / سبأ .
2- بحارالانوار، ج92، ص188 .

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

به درستی که درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است ؛ پس به قاری قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو» . (1)

حضرت رضا علیه السلام درباره درجات بهشت فرموده اند:

فاصله درجات با یکدیگر به قدر فاصله آسمان و زمین است.(2)

درجات بهشت (179)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

در بهشت صد درجه است و مابین هر درجه با درجه دیگر به قدر فاصله آسمان و زمین است و فردوس عالی ترین مراتب و درجات بهشت است. (3)

1- تفسیر برهان، ج 1، ص 325 .
2- جامعُ الاصول، ج 11، ص 138 .
3- مجمعُ البیان، ذیل آیه 63 سوره الرحمن .

امام صادق علیه السلام درباره درجات بهشت فرموده اند:

نگو بهشت یکی است، زیرا خداوند می فرماید: غیر از آن دو بهشت است، دو بهشت دیگر است و نگو درجه واحدی دارد، زیرا خداوند می فرماید: بهشت دارای درجاتی است که بعضی بالاتر از بعضی دیگر است و این تفاوت، به

خاطر (تفاوت) اعمال (بهشتیان) است. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده اند: دو بهشت از طلا برای مقربان است و دو بهشت از نقره برای اصحاب یمین است.(2)

امام علی علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

1- درّ المنثور، ج 6، ص 146 .
2- نهجُ البلاغه، خطبه 85 .

در بهشت، درجاتی از یکدیگر برتر است و جایگاه های و گوناگون و متفاوتی وجود دارد...(1) حدیثی نیز از امام حسن عسگری علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که گواه درجات بهشت است:

درجات بهشت (181)

... خدا در بهشت هزار درجه به او کرامت فرماید که فاصله هر درجه صد سال راه باشد به اندازه ای که اسب تندرو می دود. این درجات (طبقات) از طلا، نقره، مروارید، زبرجد، زمرد، مشک، عنبر، کافور و ... است(2)

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

... درجه من در بهشت دارای هزار نردبان است و فاصله بین هریک از این

1- حیاتُ القلوب، ج 3، ص 139 .
2- مفاتیحُ القلوب، ص 674 .

نردبان ها به اندازه دویدن یک ماه اسبان تیزتک است... (1) و نیز فرموده اند: بهشت صد درجه دارد و اگر همه مردم در یکی از آن درجات گرد آیند، در آنجا می گیرند.

(182) بهشت و جهنم

البته به نظر می رسد منظور حضرت کثرت درجات بهشت است زیرا، درجات ایمان نامحدود است، پس درجات بهشت نیز نامحدود خواهد بود.

درهای بهشت

براساس روایات اسلامی، بهشت هشت در دارد.(2)

امام باقر علیه السلام فرموده اند:بدانیدکه بهشت هشت در داردکه عرض هردری از آنها به اندازه چهل سال راه است. (3)

ص:166

1- جامعُ الاصول،ج11،ص138.
2- پیام قرآن، ج 6، ص 310 یا کنزالعمال ج 14، ص 451 .
3- حضال ابواب الثمانیه .

همچنین امام علی علیه السلام درباره درهای بهشت فرموده اند:

درهای بهشت (183)

بهشت هشت در دارد و هر دری مخصوص گروهی است:

یک در برای انبیاء و صدیقان است.

یک در برای شهدا و صالحان است. (جهاد دری از درهای بهشت است...).

پنج در برای شیعیان من می باشد.

و یک در هم برای مسلمانانی که کینه مرا ندارند.(1)

چگونگی حضور انسان در بهشت

از سئوالاتی که درباره حضور انسان های مؤمن و نیکوکار در بهشت و طرح است این است که: روح انسان به بهشت می رود یا روح و جسم او؟

(184) بهشت و جهنم

در پاسخ به این سؤال باید گفت:

ص:167

1- حضال و نور، ج 10، ص 204 .

در قیامت، روح انسان ها، به بدنهایشان ملحق می شود و انسان ها همینطور که در این دنیا با روح و جسم (هردو) زندگی می کند، در قیامت محشور می شوند.

پس از حساب و کتاب قیامت، مؤمنان وارد بهشت شده و کفار به دوزخ انداخته می شوند.

مفسر تفسیر نور درباره معاد جسمانی نوشته است:

معاد جسمانی است، تکیه کردن بر تخت، خوردن میوه، نوشیدن شراب طهور و داشتن همسر، همه و همه نشانگر آن است که معاد انسان ها، جسمانی است. (1)

چگونگی حضور انسان در بهشت (185)

از این آیات متعدد قرآن کریم، بخوبی استفاده می شود که معاد و حضور انسان ها در بهشت یا دوزخ، جسمانی و روحانی بوده و در

1- نور، ج 10، ص 119 .

آخرت جسم و روح انسان راحت و آسوده یا گرفتار و معذب است.

عمر بهشت و بهشتیان

ممکن است این سؤال در ذهن انسان مطرح شود که آیا بهشت روزی از بین می رود و به تعبیر دیگر، پایان پذیر است یا برای همیشه جاودان خواهد بود؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: براساس بیش از هشتاد آیه، زندگی انسان در بهشت، زندگی جاوید و همیشگی و فناناپذیر است.(1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

قرآن، مسأله جاودانه بودن نعمت های بهشت را با تعبیرات مختلف بیان کرده

1- آیات : 34 / ق، 257 / بقره، 85 / مائده، 22 / توبه و... .

است: گاه می گوید: خالِدینَ فیها «جاودانه در باغ های بهشت می مانند». (1) و گاه می گوید عَطاءً غَیْرَ مَجْذوُذٍ این اعطایی است قطع نشدنی.(2)

امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

نعمت های بهشت پایان ندارد و ساکنان آن هرگز از آنجا خارج نشوند... (3)

مرحوم فلسفی درباره این موضوع نوشته است:

عمر بهشت و بهشتیان (187)

نظام تکوین و سنت آفرینش در عالم آخرت براساس تزاحم و تضاد نیست، آفریده های آن جهان با هم در جنگ و معارضه نیستند و موجبات نابودی و هلاکت یکدیگر را فراهم نمی آورند. از این رو آخرت دار خلود و

1- این تعبیر در آیات زیادی آمده است .

2- 108 / هود .

3- نهج البلاغه، خطبه 85 .

عالم جاودانی است و موجوداتش همواره پایدار و ابدی هستند، در آنجا مرگ راه ندارد و مخلوقاتش در معرض فنا و زوال قرار نمی گیرند.

قرآن شریف درباره حیات جاودان بهشتیان فرموده است:

لا یَذُوقُونَ فیهَا الْمَوْتَ اِلاَّ الْمَوْتَةَ الاُْولی بهشتیان طعم مرگ را نمی چشند و پس از مرگی که در پایان عمر دنیا دیده اند مرگی نخواهد داشت.

نه تنها مرگ در عالم آخرت نیست، بلکه پاره هایی از دگرگونی ها و تحولات ناشی از تقابل و تضاد که در دنیا مشهود است در آخرت مشاهده نمی شود. (1)

(188) بهشت و جهنم

آیا هم اکنون بهشت آفریده شده است؟ اگر موجود است در کجاست؟

در پاسخ به این سؤالات اولاً باید گفت که: خداوند متعال دو نوع بهشت را مطرح فرموده است:

1- گفتار فلسفی، ص 288 .

بهشت ابدی

از بهشت برزخی در آیات: 26 و 27 سوره یاسین، 169 سوره آل عمران، 46 سوره غافر و 25 سوره نوح نام برده است.

از آیات قرآنی و روایات اسلامی استفاده می شود این نوع بهشت هم اکنون

بهشت برزخی (189)

موجود است بسیاری از مفسران در ذیل آیاتی که برای بهشت کلمه «اُعِدَّت» (مهیا شده) به کار رفته، گفته اند، از این کلمه استفاده می شود که بهشت هم اکنون موجود است؛ مانند این آیات «وَ جَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمواتُ وَ الأَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقینَ» ؛ و بهشتی که پهنایش (به قدر) آسمان ها و زمین است (و) برای پرهیزکاران آماده شده است.

ص:172

«هِرَوىّ» به امام رضا علیه السلام عرض می کند: یابن رسول اللّه آیا بهشت و جهنّم هم اکنون آفریده شده اند؟امام فرمود: هنگامی که رسول خدا به آسمان عروج کرد وارد بهشت شد و جهنم را دید. (1)

(190) بهشت و جهنم

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

بر در بهشت دو هزار سال قبل از اینکه خداوند آسمان و زمین را بیافریند نوشته شده لا اِلهَ اِلاَّ اللّه مُحَمَّد رَسُولُ اللّهِ عَلِیٌّ اَخو رَسُول اللّه. (2)

اما، اگرچه بهشت و جهنم هم اکنون موجود است، ولی اعمال انسان ها در شکل دهی به برخی از خصوصیات و ویژگی های آنها نقش دارد. در روایتی آمده

ص:173

1- بحارالانوار، ج 8، ص 119 .
2- همان، ص 131 .

است هر بار که مؤمن ذکر «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه می گوید، یک درخت در بهشت به برایش کاشته می شود.(1)بنابراین آنچه گفته شد و طبق آیات قرآن، بهشت و

بهشت برزخی (191)

جهنم از هم اکنون آفریده شده است (2)و هیچ کس در وجود آنها شک ندارد؛ نعمت هایی چون فاکِهَه، حورٌ عین، لباس های زینتی، ظروف و جام ها و... یقینا وجود دارد ؛ در غیر اینصورت خداوند متعال در بسیاری از آیات به آنها اشاره نمی کرد. (3)

1- همان، ص 149 .
2- 133 / آل عمران؛ 21 / حدید؛ 24 / بقره ؛ 13 تا 18 / انفطار .
3- معاد در قرآن، ج 6، صفحات 323 تا 344 .

(192) بهشت و جهنم

در مورد مکان بهشت و جهنّم در قیامت اختلاف نظر است:

1 در آسمان ها است، چون قرآن خبر از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله به آسمان ها داده است و می فرماید: «عِنْدَها جَنَّهُ الْمَأْوی»[(1)]بهشت جاویدان نزد سِدْرَهُ الْمُنْتهی است، همان نقطه ای که برترین مکان آسمان است، در آیه دیگری می فرماید: «وَ فِی السَّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ»[(2)] ؛ روزی شما و آنچه به شما وعده داده می شود در آسمان است.

2 بهشت و جهنم مادی نیست تا نیازی به مکان داشته باشد، لذا با برپایی

1- نجم / 15 .
2- ذاریات / 22 .

مکان بهشت (193)

قیامت، طومار زمین و کرات آسمان درهم پیچیده می شود، ولی بهشت و جهنم موجودبوده و به حال خود باقی است.

3 بهشت در درون و باطن این جهان است. (1)

اگرکسی سؤال کندبهشتی که هم اکنون موجوداست و حضرت رضا علیه السلام از وجود آن خبر داده و رسول گرامی صلی الله علیه و آله در شب معراج به داخل آن رفته کجاست؟ شاید بتوان گفت همان است که قرآن مجید آن را جَنَّهُ الْمَأْوی خوانده و در مجاورت سِدْرَهُ الْمُنْتهی است.

«وَ لَقَدْ رَاهُ نَزْلَهً اُخْری. عِنْدَ سِدْرَهِ الْمُنْتَهی. عِنْدَها جَنَّهُ الْمَأْوی»(2)

1- پیام قرآن، ج 6، صفحات 323 تا 344 .
2- 13 تا 15 / نجم .

(194) بهشت و جهنم

پیامبر گرامی جبرئیل را بار دوم با شکل اصلی اش مشاهده نمود و این دیدار در سِدْرَهِ الْمُنْتَهی روی داد و بهشتی که مأوای متقیان است در جوار سِدْرَهِ الْمُنْتَهی قراردارد.

سِدْرَهِ الْمُنْتَهی کجاست؟ابن عباس که تفسیرقرآن شریف را از پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فراگرفته و روایات بسیاری از آن حضرت نقل نموده است درباره سِدْرَهِ الْمُنْتَهی چنین گفته است: سِدْرَه نقطه نهایی تکامل علمی کیهان شناسان است و پیشروی علمی دانشمندان در آنجا پایان می یابد و از ماورای آن کسی جز ذات اقدس الهی آگاهی ندارد. (1)

مکان بهشت (195)

همچنین درتاریخ آمده است که: دو تن از یهودیان بر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد

1- گفتار فلسفی، ص 259 .

شدند و سؤالاتی مطرح ساختند (من جمله) گفتند: بهشت کجاست؟ جهنم کجاست؟ حضرت فرمود:

«اما بهشت، بهشت در آسمان است و اما آتش (جهنم)، جهنم در زمین. عرض کردند: مقصود از هفت (جهنم) چیست؟ فرمود: مقصود هفت باب جهنم است که طبقه طبقه روی هم است. عرض کردند: مقصود از هشت (بهشت) چیست؟ فرمودند: هشت در بهشت است». (1)

(196) بهشت و جهنم

علی بن ابراهیم قمی در اثبات اینکه بهشت در آسمان است به آیه ذیل استناد می کند:«لاتُفَتَّحُ لَهُمْ اَبْوابُ السَّماآءِ وَ لایَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ» درهای آسمان برای آنها باز نشده و داخل بهشت نمی گردند.(2)

ص:178

1- بحارالانوار، ج 8، ص 128 .
2- 40 / اعراف .

و در مورد زمینی بودن جهنم نیز به این آیه استناد می کند:

«وَ اِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ»(1) آنگاه که دریاها شعله ور می شوند.

بهشت و دوزخت با توست در پوست چرا بیرون ز خود می جویی ای دوست (2)

مکان بهشت (197)

چگونگی ساخته شدن بهشت

خداوند سبحان برای انسان های مؤمن و پاک، بهشت را در نظر گرفته است اما، ساختن و تکمیل آن را منوط به نحوه عمل خود انسان ها کرده است.

به عبارت دیگر، خداوند متعال چگونگی کیفیت بهشت و درجه هر مؤمنی را

1- 6 / تکویر .
2- پوریای ولی دهخدا،ج1،ص480 .

منوط به نحوه عمل و تلاش او کرده است.

...وَ مَنْ عَمِلَ صالِحا فَلاَِنْفُسِهِمْ یَمْهَدوُنَ...

... و هرکس نیکوکار شود آن هم برای خویش (در بهشت) آسایشگاهی خوش و خرم فراهم خواهد ساخت.(1)

(198) بهشت و جهنم

به این ترتیب، هر انسانی به هر اندازه ای که در جهت افزایش کیفیت و کمیت کارهای نیکش تلاش کند، به همان میزان بهشت ابدی اش وسیع تر و کامل تر و درجه اش عالی تر و والاتراست.

مفسرتفسیرنمونه دراین باره نوشته است:

«مِهاد» به مکان وسیع تر، یعنی هر مکان مهیا و آماده ای (که نهایت آرامش و

1- 44 / روم .

آسایش در آن است) گفته شده است، انتخاب این تعبیر برای بهشتیان و مؤمنان صالح نیز از همین نظر است.

خلاصه گمان نکنید که... اعمال زیبای شما برای خدا اثری دارد، این

چگونگی ساخته شدن بهشت (199)

شما هستید که از آن شاد و خشنود (و بهره مند) می شوید.(1)

البته ذکر این نکته کاملاً ضروری است که: به یقین نعمت های بهشتی چیزی نیست که فقط بخاطر اعمال انسان به او تعلق گیرد بلکه فضل و رحمت و لطف بی انتهای الهی موجب چنین نعمت هایی بر بهشتیان است. منظور ما این است که این نعمت ها با نیت و تلاش انسان ها نسبت مستقیم دارد امااز جهت ارزش بسیار بالاتر و والاتر از کارهای ما است.

1- تفسیر نمونه، ج 16، ص 455 .

طبق احادیث، هر مؤمن و کافری در بهشت و دوزخ مکانی دارد، ولی مؤمن، جایگاه بهشتی کافر را به ارث می برد و کافر جایگاه دوزخی مؤمن را. (1)

(200) بهشت و جهنم

مفسر تفسیرنورنوشته است:

از این حدیث استفاده می شود که درهای سعادت و شقاوت به روی همه باز است و هیچ کس از ابتدا برای بهشت یا دوزخ خلق نشده است، بلکه انتخاب و عمل او مسیر و سرنوشتش را معین می کند. (2) در حدیثی آمده است که در شب معراج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بهشت عده ای از ملائکه را دید که گاهی تند تند کار می کردند گاهی بیکار بودند، علت این امر را از آنها پرسید گفتند: خداوند متعال ما

1- نور الثقلین .
2- تفسیر نور، ج 4، ص 69 .

را مأمور ساختن جایگاه فلان مؤمن که در دنیا می باشد کرده است.

چگونگی ساخته شدن بهشت (201)

هرگاه او اعمال صالح و کارهای خوب انجام دهد، مصالح برای ما می رسد و ما منزل او را می سازیم، هروقت که او کار خوبی انجام ندهد، ما نیز اینجا بیکار هستیم! (1)

بر همین اساس، می توان معنی حدیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «دنیا مزرعه آخرت است» را درک کرد.

از دنیا باید با نیت ها، تلاش ها، اعمال صالح و خوبی ها برای خانه آخرت توشه فرستاد و آن را کاملاً آماده نمود.

البته خداوند سبحان، فرشتگانی مأمور کرده است که انجام اینکار را برعهده

1- حیات القلوب، ج 2، ص 297 .

گرفته و جایگاه پاکان را در بهشت آماده نمایند. از فضل خویش نیز بر آنها اضافه تر از استحقاقشان عطا خواهد کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«در شب معراج به ابراهیم علیه السلام برخورد نمودم و او به من گفت: به امتت امر کن که تا می توانند در بهشت درخت بکارند، زیرا زمین بهشت بسیار وسیع و خاکش بسیار پاکیزه است، گفتم: چگونه؟

گفت:باگفتن بسیار«لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاّبِاللّٰه (1)

1- بحار الانوار، ج 8، ص 124 .

چگونگی ساخته شدن بهشت (203)

آیا در بهشت شب و روز وجود دارد؟

«وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فیها بُكْرَةً وَ عَشِیّا»

و هر صبح و شام روزی آنها در بهشت مقرر است. (1)

در این آیه اشاره به صبح و شب در بهشت شده است. سؤال این است که: مگر در بهشت صبح و شام وجود دارد؟

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

درروایات اسلامی آمده است که: گرچه دربهشت همواره نور و روشنایی است،

اما بهشتیان از کم و زیادشدن نور و نوسان آن، شب و روز راتشخیص می دهند.(2)

1- 62 / مریم .
2- تفسیر نمونه، ج 13، ص 107 .

در بهشت یک نظام زندگی کامل و همیشگی برقرار است و به نظر می رسد که چنین نظامی، بسیار کامل تر و دقیق تر از زندگی دنیوی است. از طرفی، شب و روز زیبایی های خاص خود را دارند. بنابراین بعید است که مؤمنان بهشتی از مواهب شب در بهشت محروم باشند.

منتها، شب و روز بهشتی با شب و روز دنیوی، تفاوت های بسیار دارد واللّه اعلم.

بهشتیان با چه زبانی سخن می گویند (205)

در اینکه بهشتیان در بهشت با هم صحبت می کنند شکی نیست. در قرآن کریم آیات متعددی در این خصوص وجود دارد که در مباحث آینده آورده می شود.

ص:186

حتی در قرآن کریم سخن از صحبت بهشتیان و دوزخیان با هم است مانند آیات 40 تا 48 سوره مُدَّثِّر که صریحا به سخن گفتن مؤمنان بهشتی با کفار دوزخیان اشاره فرموده است.

با توجه به این موضوع، این سؤال پیش می آید که هم اکنون بیش از هزار زبان در دنیا وجود دارد. زبان های دیگری هم قبل از ما و بعد از ما بوده و خواهد بود. از طرفی همه انسان ها یا دوزخی هستند یا بهشتی. پس، چگونه می توانند با هم صحبت کنند. برای پاسخ به این سؤال دو جواب موجود است:

1 در جهان آخرت محدودیت های این دنیا وجود ندارد فلذا افراد به راحتی می توانند با هم ارتباط پیدا کنند. تلقین به زبان عربی به همه امواتی که در زندگی زبان های گوناگونی داشته اند و بسیاری از آنها، کوچکترین آشنایی با این زبان

ندارند، گواه این مطلب است.

2 از بعضی روایات استفاده می شود که مردم در جهان آخرت به زبان عربی با هم صحبت می کنند.

(1)

برای پاسخ به این سؤال می توان گفت نه، زیرا:

آیا زندگی در بهشت، یکنواخت نیست؟! (207)

1 بهشت آن قدر بزرگ و وسیع است و مواهب و مناظر فراوان و متنوّع دارد که انسان از تماشای آن ها خسته نمی شود و هر روز جایی برای دیدار تازه وجود دارد.

2 پدران و مادران، فرزندان صالح و بهشتی انسان، پیامبران، اولیاء،

1- المیزان،ج11،صفحات11و12.

شهدا و نیکان اولین و آخرین در بهشت هستند. دیدار آنها نیز وقت بسیار برده و موجب تنوع فراوان در زندگی بهشتیان است.

3 در بهشت نیز تحول و تکامل خاص بهشتی وجود دارد.

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

هیچ مانعی ندارد که تحول و تکامل در همان منطقه تداوم داشته باشد، یعنی اسباب تکامل در آنجا جمع است و انسان ها در پرتو اعمالی که در این جهان

انجام داده اند و مواهبی که خدا در آن جهان به آنها عطا کرده در مسیر تکامل دائما پیش می روند. (1)

1- 108 / کهف .

ازامام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی «خالِدینَ فیها لا یَبْغُونَ عَنْها حِوَلاً»(1)سئوال شد فرمودند: «مقصود از "خالدون" این است که آن ها هرگز از بهشت (و عوامل بهشتی) خارج نمی شوند و مقصود از لا یَبْغُونَ عَنْها حِوَلاً این است که: بهشتیان هرگز طالب دگرگونی و تبدیل وضعیت نیستند...». (2)

دلیل آن هم کاملاً واضح و مشخص است: آنها کسر و کمبود و نیاز و حاجتی ندارند که برآورده نشده باشد.

آیا زندگی در بهشت، یکنواخت نیست؟! (209)

بنابراین طالب وضع دیگر و چیز دیگر نیستند.

ص:190

1- 108 / کهف .
2- بحارالانوار، ج 8، ص 123 .

حضور بهشتیان در محضر حضرت حق سبحان

از بالاترین و والاترین نعمت دیگری که به بهشتیان داده می شود. حضور در محضر حضرت رب العالمین است. درست است که خداوند متعال به همه نزدیک تر از خودشان است و همه جا نیز تعلق واقعی و حقیقی به آن حضرت دارد اما، اجازه یافتن حضور در محضر خاص او حکایت دیگری است:

زلیخا گفتن و یوسف شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن؟!

(210) بهشت و جهنم

فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیکٍ مُقْتَدِرٍ

(پرهیزکاران) در منزلگاه صدق و حقیقت، نزد خداوند صاحب عزت، همیشه

ص:191

از نعمت های او بهره مند می شوند. (1)

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه آورده است:

در این آیه دو ویژگی وجود دارد که تمام امتیازات در آن جمع است:

اول اینکه: آنجا جایگاه صدق است و هیچگونه باطل و بیهودگی در آن راه ندارد. سراسر حق است و همه وعده های خدا درباره بهشت در آنجا عینیت می یابد و صدق آنها آشکار می شود.

حضور بهشتیان در محضر حضرت حق سبحان (211)

دوم اینکه: در جوار قرب خدا است. عند، اشاره به نهایت قرب و نزدیکی معنوی است نه جسمانی، آن هم نسبت به خداوندی که هم مالک است و هم قادر، هرگونه نعمت و موهبتی در قبضه قدرت اوست. و به همین دلیل، او در

1- 55 / قمر .

پذیرایی از این مهمان گرامی فروگذار نخواهد کرد و فقط خودش می داند که چه موهبتی برای اینها فراهم ساخته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمودند:

علی جان! هرکس شما را دوست بدارد و از ولایت شما پیروی کند با ما در بهشت برین در جایگاه صدق نزد پروردگار است. امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا در پاسخ اظهارات یکی از سپاهیان دشمن فرمود: تا چند لحظه دیگر، یاران من در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جایگاه صدق نزد پادشاه توانا مستقر می شوند. (1)

(212) بهشت و جهنم

مفسر تفسیر راهنما در این باره نوشته است:

1- برهان، ج 4، ص 262 .

متقین برخوردار از جایگاهی والا و زوال ناپذیر در پیشگاه خداوند.

پرهیزکاران در بهشت، علاوه بر نعمتهای مادی برخوردار از مقامات معنوی اند.(1)

وقتی مؤمنان نیکوکار وارد بهشت می شوند، در حقیقت از آزمایش های الهی

پیروزی بزرگ بهشتیان (213)

سربلند بیرون آمده و در عرصه حیات، موفق و کامیاب و پیروز شده اند. احساس رضایت از سعی و تلاش و رسیدن به رضایت خداوند سبحان و سعادت ابدی، پیروزی بزرگ مؤمنان است.

... ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ

ص:194

1- تفسیر راهنما، ج 18، ص 280 .

... و این پیروزی بزرگ است.(1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

این رستگاری (مؤمنان) و پیروزی بزرگ است. (2)

(214) بهشت و جهنم

کدام پیروزی بزرگتر از آن که بهشتیان موفق شده اند در سایه ایمان و عمل صالح و توکل به خداوند متعال از گردنه های سخت دنیوی و آزمایش های بزرگ الهی، سربلند و پیروز بیرون آیند؟!

اکنون، روز سعادت و شادکامی آنها شروع شده است: هیچ مشکل و گرفتاری ندارد و به مقصد و مقصود خود رسیده اند.

1- 13 / نساء .
2- تفسیرنمونه، ج3،ص301 .

رسیدن به بهشت، پیروزی بزرگی برای انسان است و بهشتیان به این پیروزی بزرگ نائل شده اند.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: بهشتیان زنده اند و هرگز نمی میرند، همواره بیدارند

پیروزی بزرگ بهشتیان (215)

و به خواب نمی روند، بی نیازند و هرگز محتاج نمی شوند، همیشه شادند و هیچ گاه غمگین نمی گردند، لبی خندان دارند و هیچ وقت گریه نمی کنند، همواره مورد تکریم و احترامند و هرگز در برابر خواری و تحقیر قرار نمی گیرند.(1)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: موقعی که بهشتیان در بهشت مستقر می شوند منادی ندا می دهد: سرنوشت و مقدّر الهی درباره شما این است که همیشه زنده

1- لئالی الاخبار، ص 429 .

بمانید و هرگز نمیرید، پیوسته از نعمت سلامت برخوردار باشید و هیچ گاه بیمار نشوید، همیشه جوان بمانید و هیچ گاه پیر و فرسوده نگردید.(1)

(216) بهشت و جهنم

هر انسانی در عرصه زندگی دنیوی در اثر غفلت، بی توجهی، جهل، شهوت، خشم و... ممکن است که به ترک اولی، گناه و عصیان آلوده شود.

این امر همیشه موجبات نگرانی مؤمنان را فراهم کرده است و آنها ناراحت از چنین گناهانی و نگرانی عواقب سوء آن بوده اند.

بخشش گناهان و دور نگهداشتن پرهیزکاران بهشتی از عواقب سوء و دردناک گناهانشان، یکی دیگر از نعمتهایی است که در بهشت به آنها

ص:197

1- جامع الاصول، ج11، ص154 .

داده می شود:

«...لَكَفَّرْنا عَنْهُمْ سَيِّئاتِهِمْ» ... گناهانشان را می بخشیم... (1)

بخشش گناهان و آمرزش (217)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته اند:

... نه فقط گناهان آنها را می بخشیم، بلکه آنها را در باغ های بهشتی که کانون انواع نعمت ها است وارد می کنیم. (2)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

برای دریافت الطاف الهی (بهشت و نعمتهایش) ابتدا باید از گناهان پاک شده. (3)

با بخشش گناهان، روح و جسم بهشتیان پاک و پاکیزه شده و همه غم ها و

1- 65 / مائده .
2- تفسیر نمونه، ج 4، ص 454 .
3- تفسیر نور، ج 3، ص 124 .

اضطراب ها و نگرانی ها از وجودشان خارج می شود.

(218) بهشت و جهنم

قلوب پاک

تمامی کینه ها، حسدها، بغض ها، دشمنی ها و سایر گناهان مربوطه به دل، از وجود بهشتیان پاک شده و آنها دارای قلوب پاک و پاکیزه می شوند و این موهبت بزرگی از جانب حضرت حق برای مؤمنان بهشتی است:

وَ نَزَعْنا ما فی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ...: و آنچه در دل ها از کینه و حسد دارند برمی کنیم... .(1)

مفسر تفسیر المنار در این باره نوشته است:

هنگامی که بهشتیان به سوی بهشت روانه شوند بر در بهشت درختی

1- 43 / اعراف .

قلوب پاک (219)

می بینند که از زیر آن دو چشمه جاری است.

از یکی از چشمه ها می نوشند و تمام کینه ها و حسدها از قلبشان شسته می شود و این همان شراب طهور است. سپس در چشمه دیگر خود را می شویند و طراوت و زیبایی در اندامشان آشکار می شود بطوری که پس از آن هرگز ژولیده و رنگ پریده و دگرگون نخواهند شد.(1)

امام هادی علیه السلام درباره این آیه فرموده اند:

در روز قیامت، حضرت علی علیه السلام و همه ائمه در برابر مردم قرار می گیرند و دراین هنگام(ورودبه بهشت)شیعیان می گویند:

(220) بهشت و جهنم

الحمدللّٰه الذی هدانا لهذا

1- تفسیر المنار، ج 8، ص 421 .

خدا را شکر که ما را به این (راه بهشت جاودانی) هدایت فرمود. (1)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

در بهشت صفای ظاهر و باطن یکجا جمع است. زندگی که در آن کینه نباشد، زندگی بهشتی است. بهشت در برابر عمل است نه آرزو. (2)

بهشتیان چون قلوب پاک دارند نسبت به تفاوت های درجات خود، مسأله ای (با هم) ندارند.(3)

1- تفسیر اثنی عشری ؛ کافی، ج 1، ص 418 .
2- تفسیر نور، ج 4، ص 70 .
3- تفسیر نور، ج 6، ص 296 .

قلوب پاک (221)

جنات عدن

یکی دیگر از نعمت هایی که خداوند متعال به عده ای خاصی از بندگانش عطا می فرماید، جنات عدن است:

جَنّٰاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَها... به باغ های دائمی وارد خواهند شد... (1)

هرچند بین مفهوم «عدن» و «خلد» چندان فرقی وجود ندارد و هر دو به معنای

«توقف طولانی و استقرار ثبات و ابدیّت» است، ولی از روایات و قرائن چنین استفاده می شود که «جنّات عدن» محل خاصی از بهشت خداوند متعال است که بر دیگر باغ های بهشت امتیاز دارد و (2) فقط سه گروه در آن ساکن می شوند:

1- 31 / نحل .
2- بحارالانوار، ج 8، ص 85، باب 23 .

«پیامبران»، «صدیقان» و «شهداء» در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: کسی که دوست دارد حیاتش همچون من و مرگش نیز مانند من باشد و در بهشتی که خداوند به من وعده داده، در «جنّات عدن» ساکن شود باید علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان بعداز او را دوست بدارد».(1)

جنات عدن (223)

در نتیجه، نسبت این دو مفهوم (جنّات عدن و جنات الخلد)، نسبت عام و خاص مطلق است ؛ یعنی همه بهشت ها، جنت الخلد و جاودانی و همیشگی اند و فقط یک بهشت که دارای امتیاز ویژه ای است «جنّات عدن» است. (2)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

1- خصال، ص 558، ح 31، ابواب الاربعین .
2- تفسیر نمونه، ج 8، ص 38 .

در بهشت باغ ها و نهرها، تنوع و تعدد دارند. باغ های بهشتی همیشه سبز است و خشکسالی ندارد. (1)

کیفیت میوه های بهشتی

(224) بهشت و جهنم

در بهشت، درختان میوه متعددی وجود دارد و بهشتیان هر میوه ای بخواهند، برایشان آماده است:

فیهِما فاکِهَهٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمّانٌ: در آنجا میوه های فراوان و درخت نخل و انار است.(2)

همچنین:...«فی ظِلالٍ وَ عُیُونٍ. وَ فَواکِهَ مِمّا یَشْتَهُونَ: (متقیان) در سایه های

1- تفسیر نور، ج 6، ص 342 .
2- 68 /رحمن .

(درختان میوه دار بهشتی) و در میان چشمه سارها قرار دارند و میوه هایی از هر نوع که بخواهند (برایشان آماده است). (1)

کیفیت میوه های بهشتی (225)

همینطور: حَدائِقَ وَ اَعْنابا. وَ کَواعِبَ اَتْرابا(2)

و نیز: مُدْها مَّتانِ . هردو (بهشت از درختان) کاملاً خرم و سرسبزند.(3)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

به سبز پررنگ این معنی (طلاق می شود و از آنجا که چنین رنگی نشانه نهایت شادابی و طراوت گیاهان و درختان است، این تعبیر (مدها متان) بیانگر

1- 41 و 42 / مرسلات .
2- 32 / نبأ .
3- 64 / رحمن .

نهایت خرمی (درختان) آن دو بهشت است.(1)

همچنین ذکر میوه ها، سایه ها، چشمه ها، (و سایر نعمت ها) اشاره به گوشه ای

(226) بهشت و جهنم

از مواهب عظیم الهی بر بهشتیان است، گوشه ای که با زبان اهل دنیا قابل بیان و ترسیم است. اما آنچه در بیان نمی گنجد و به فکر مردم دنیا خطور نمی کند، از آن به مراتب برتر و بالاتر است.(2)

مفسر تفسیر راهنما در این باره نوشته است:

میوه های رسیده بر شاخساران باغ های بهشت، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر متکاها است.

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 176 .
2- تفسیر نمونه، ج 25، ص 426 .

باغ های بهشت پر از میوه ها و درختان نخل و درخت انگور است.

خرما و انار، دارای ویژگی و امتیاز در میوه های بهشت است.

کیفیت میوه های بهشتی (227)

میوه های متنوع در بهشت نمود ربوبیت الهی بر جن و انس است.(1)

انواع و اقسام میوه های بهشتی در رنگ و طعم و اندازه متعدد، در بهشت آماده است و یکی از خوردنی های لذیذ بهشتی، همین میوه های خوشگوار است، این میوه ها:رسیده،شیرین دردسترس،معطرو...بوده وموجب انبساط خاطر،لذت فراوان و سیری مؤمنان بهشتی می شود:

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که شب معراج وارد بهشت

1- تفسیر راهنما، ج 18، ص 357 .

شدم. برایم رطبی آوردند از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین تر... .(1)

(228) بهشت و جهنم

و نیز خاک بهشت از مشک بود. (2)

... مِنْها مِنْ ثَمَرَهٍ رِزْقا... آنجا از میوه های بهشتی می خورند. (3)

مفسر تفسیر راهنما درباره میوه های بهشتی نوشته است:

بهشت دارای انبوه درختان میوه است.

هرگاه میوه ای از درختان بهشتی چیده شود، میوه ای مثل آن بر آن درختان نمایان می شود.

بهشتیان در بهره گیری از میوه ها و روزی های بهشت،

ص:208

1- حیات القلوب، ج 2، ص 292 .
2- همان، ج 2، ص 275 .
3- بقره/ 25 .

کیفیت میوه های بهشتی (229)

هیچ رنج و سختی نخواهند کشید. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«هریک از میوه های بهشتی یکصد هزار طعم دارند».

و نیز فرمود: در عالم خواب عمویم حمزه را (پس از شهادتش) دیدم در حالی که طبقی از انگور بهشتی نزد او بود. یک مرتبه انگور مبدل به خرما شد. این تغییر نوع میوه بسته به نظر مؤمن است.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«مؤمن بر تخت خود نشسته که ناگاه مرغانی که به قدر شتری هستند

می آیند. مؤمن اراده خوردن گوشت آنها را می کند. مرغان فورا می نشینند،

1- تفسیر راهنما، ج 1، ص 73 .

بال های ریخته و کباب می شود و مؤمن آن را می خورد چون مؤمن سیر شود و الحمدللّه گفت، مرغ زنده می شود و می پرد و بین مرغان افتخار می کند».

مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد: یا ابوالقاسم فکر می کنی که اهل بهشت می خورند و می آشامند؟ فرمود: «آری، قسم به کسی که جان من در ید قدرت اوست هریک از اهل بهشت نیروی صد مرد را در خوردن و آشامیدن داراست.

اعتدال هوا در بهشت

هوای بهشت، در نهایت اعتدال است، نه سرد سرد و نه گرم گرم. معتدل و مطلوب.

هوا خوش نگار و زمین پرنگار نه گرم و نه سرد همیشه بهار!

ص:210

اعتدال هوا در بهشت (231)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

لا یَرَوْنَ فیها شَمْسا وَ لا زَمْهَریرا. در آنجا نه خورشید را می بینند و نه سرما را(1) ممکن است منظور به اعتدال هوا باشد زیرا سوزش آفتاب و همینطور سرمای سخت در بهشت نیست، نه اینکه آفتاب اصلاً نمی درخشد.(2)

مفسر تفسیر راهنما ذیل این آیه نوشته است:

ابرار در بهشت، آسوده از گرما و سرمای آزاردهنده و برخوردار از هوای مطبوع و معتدل بهشت هستند.

(232) بهشت و جهنم

بهشت دارای هوای لطیف، مطبوع و معتدل است.(3)

1- 13 / دهر .
2- تفسیر نمونه، ج 10، ص 231.
3- تفسیر راهنما، ج 19، ص 604.

هوای لطیف و معتدل نعمت دیگری است که بهشتیان از آن، بهره می برند. به این ترتیب گرفتاری ها و مشکلاتی که در اثر سرما و گرما انسان ها را آزار می دهد، در بهشت وجود ندارد. مؤمنان در هوایی کاملاً سالم، معتدل و لطیف از نعمت های بهشتی برخوردار می شوند.

از نعمتهای بزرگ بهشتی، همسران شایسته، زیبا، خوش گفتار، دلپسند و... است. ابتدا خداوند متعال در آیه ای به آنها اشاره فرموده، اما در سایر

همسران پاکیزه (233)

آیات قرآن عظیم نیز از آنها یاد شده و به شرح ویژگی هایشان اشاره نموده است:

هُمْ وَ اَزْواجُهُمْ فی ظِلالٍ عَلَی الْأرائِکِ مُتَّکِؤُنَ. بهشتیان با زنانش

ص:212

ان در سایه (درختان بهشتی) بر تخت ها تکیه کرده اند. (1)

و نیز:... فیها اَزْواجٌ مُطَهَّرَهٌ: ... در آنجا همسرانی پاک و پاکیزه دارند.(2)

همچنین: فیهِنَّ قاصِراتُ الطَّرْفِ... در بهشت زنان زیبا و باحیایی (برای مؤمنان) است.(3)

مفسر تفسیر راهنما درباره همسران بهشتیان نوشته است:

بهشتیان در بهشت، همسران پاک و مطهر خواهند داشت. (4)

از آیات قرآن استفاده می شود که زنان و مردانی که در این دنیا همسر هم

1- 56 / یس.
2- 25 / بقره.
3- 56 / رحمن، 37 / واقعه.
4- تفسیر راهنما، ج 1، ص 73 .

بوده اند هرگاه هر دو باایمان و بهشتی باشند، در آنجا به هم ملحق می شوند و با هم در بهترین شرایط و حالات زندگی می کنند. (1) و از روایت نیز استفاده می شود که مقام این زنان حتی برتر از حوریان بهشت است. (2)

مفسر تفسیر نور ذیل آیه 48 سوره صافات در این باره نوشته است: زنان بهشتی نسبت به دیگران چشم را فرو می نشانند و یا با چشم نیمه باز که جاذبه

خاص دارد نگاه می کنند و آن قدر زیبا هستند که چشم شوهر را در اختیار خود می گیرند و شوهرانشان به آنها چشم دوخته اند. زنان بهشتی هم زیبا و دلربا هستند هم عفیف و پوشیده.

1- 23 / رعد، 8 / مؤمن.
2- درالمنثور، ص 151 .

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرموده اند: یعنی همسران بهشتی، آلوده به حیض و حدث نمی شوند. (1)

همچنین آن حضرت فرموده اند: نزد اهل دنیا و اهل بهشت، لذتی بهتر از لذت زنان نیست.(2)

(236) بهشت و جهنم

حور العین

از جمله نعمت های بزرگ الهی در بهشت، حورالعین است.

«حورالعین» به دختران زیبا، طناز، شوهردوست، باکره، خوش گفتار، مهربان، کاملاً پاک و پاکیزه بهشتی گفته می شود که برای مؤمنان بهشتی آفریده

ص:215

1- لاهیجی، ج 1، ص 305 .
2- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 50؛ الدارالمنثور، ج 1، ص 97 .

شده اند و در کنار آنها، زندگی خواهند کرد: وَ عِنْدَهُمْ قاصِراتُ الطَّرْفِ عینٌ کَاَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَکْن-ُونٌ. در بزم حضورشان حوریه های زیبا چشمی هستند که جز به شوره، به کسی نمی نگرند. گویی آن حوریه ها در سفیدی (و لطافت) بیضه مکنونند.(1)

حور العین (237)

وَ زَوَّجْناهُمْ بِحُورٍ عینٍ و آنها را با «حورالعین» تزویج می کنیم. (2)

و نیز: ح-ُورٌ مَقْصُوراتٌ فِی الْخِیامِ حوری هایی که در خیمه های خویش مستورند.(3)

همچنین:

1- 48 و 49/ صافات .
2- 54 / دخان .
3- 72 / رحمن .

وَ حُورٌ عینٌ. کَاَمْثالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُونِ و زنان سیه چشم زیبا که در بها و لطافت مانند در مکنوند. (1)

مفسر تفسیر نمونه درباره حورالعین نوشته است:

«حور» به کسی می گویند که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً شفاف (و فوق العاده) زیبا است: (2) و آنها سفید رو بوده و باکره و فقط متعلق به همسرانشان هستند و از چشم دیگران پنهانند. (3)

آنها آن چنان زیبا هستند که چشم از تماشایشان حیران (واله و شیدا)

1- 22 و 23 / واقعه .
2- تفسیر نمونه، ج 21، ص 212 .
3- تفسیر نمونه، ج 23، ص 183 .

می شود. (1)

و نیز: «حور» به زنی گفته می شود که چشم بزرگ مشکی و بدن سفید داشته باشد. (2)

حور العین (239)

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرموده اند:

وقتی اهل بهشت وارد شدند، خداوند متعال به خاطر کرامتی که به علی علیه السلام داده است، امام متقین را مأمور ازدواج (نکاح) حورالعین با بهشتیان می کند.(3)

ص:218

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 215 .
2- تفسیر نور، ج 10، ص 505 .
3- فرهنگ اهلبیت از دیدگاه قرآن، ص 448 .

تکلیف زنان در بهشت

سؤال این است که تکلیف زنان در بهشت چه می شود: زیرا آنچه که درباره

(240) بهشت و جهنم

نعم بهشتی شنیده می شود ازدواج مردان باحورالعین و با باکره های زیبا روست ؛ پاسخ این است که هر زن مؤمنه ای به شوهر خود که در دنیا با او محشور بود محشور می گردد و اگر مقام آن زن در دنیا از لحاظ تقوا و ملکات حسنه پایین تر از شوهرش بوده باشد با شفاعت شوهرش در بهشت به مقام شوهر می رسد و اگر در دنیا شوهری نداشته باشد (شوهر نکرده باشد) در بهشت به ازدواج هرکس که دوست داشته باشد درمی آید و در نکاح او باقی می ماند.

اشکالی که در اینجا مطرح است این است که اگر زنی چند شوهر کرده باشد و یکی پس از دیگری مرده باشد در بهشت به کدام یک از این شوهرها تعلّق می یابد؟

پاسخ این اشکال را از زبان حدیث بشنویم:

ص:219

امّ سلمه ازرسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد: پدر و مادرم فدای شما باد زنی دو شوهر

تکلیف زنان در بهشت (241)

داشته وهردومرده وواردبهشت شده انداین زن به کدامیک ازاین دوتعلّق دارد؟فرمود: «ای امّ سلمه! هرکدام که بهتر است و حسن خلقش بیشتر است او را انتخاب می کند. ای امّ سلمه بدان که حسن خلق خیر دنیا و آخرت را با خود می آورد».(1)

حذف پیری، سختی و خستگی از بهشتیان

در بهشت، هیچگونه سختی و خستگی و رنج و درد و ناراحتی وجود ندارد:

لا یَمَسُّهُمْ فیها نَصَبٌ...: در آنجا هیچ رنج و زحمت و سختی به آنها نخواهد رسید... .(2)

1- بحارالانوار، ج 8، ص 119 .
2- 48 / حجر .

و نیز:... لا یَمَسُّنا فیها لُغُوبٌ: در اینجا (بهشت) اصلاً ضعیف و خسته نخواهیم شد.(1)

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه نوشته است:

در آنجا (بهشت) نه عوامل مشقت بار جسمانی (خستگی بدنی) وجود دارد و نه از اسباب رنج (و خستگی) روحی خبری است.

امام علی علیه السلام درباره دوری بهشتیان از سختی ها فرموده اند:

ساکنان بهشت جاوید، هرگز پیر و فرسوده نشوند و گرفتار شداید و سختی هانخواهندگردید. (2)

1- فاطر / 35 .
2- نهج البلاغه، خطبه 85 .

حذف پیری، سختی و خستگی از بهشتیان (243)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

رنج و غم با بهشتیان (حتی) تماس هم ندارند. طول عمر بیش از حد در دنیا، خستگی آور است (و پیری و مشکلات فراوان دارد) ولی در بهشت نه (پیری و) خستگی وجوددارد ونه غم.(1)

مردان بهشتی در سی سالگی و زنان بهشتی در بیست و سه سالگی بوده و جاودانه در همین سن و با همین طراوت دور از هر رنجی باقی می مانند.

(244) بهشت و جهنم

یکی دیگر از نعمت های بهشت، غرفه ها و بناهای بلند و درجات عالی بهشت است:

اُولئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَهَ...: به اینها، به سبب صبری که دارند، غرفه

1- تفسیر نور، ج 9، ص 504 .

(بهشتی)سزاداده می شود. (1)

مفسر تفسیر راهنما درباره غرفه های بهشتی نوشته است:

صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، انجام تکالیف الهی چون فروتنی، شب زنده داری، حلم و ترس از قیامت، توبه، عفو، پذیرش حق و دعا و نیایش، عامل برخورداری آنها از نعمت ها و درجات عالی (و غرفه های) بهشتی است.(2)

خانه های بهشتی (245)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

در اینجا، منظور (از غرفه) کنایه از برترین منزلگاههای بهشت است.(3)

مفسر تفسیر نور در این باره آورده است:

ص:223

1- 75 / فرقان .
2- تفسیرراهنما، ج 12، ص 495 .
3- تفسیر نمونه، ج 15، ص 170 .

«غرفه» به اتاقی می گویند که از کف زمین بلندتر بوده و چشم انداز داشته باشد. (1)

منازل رفیع بهشت، مشرف به مناظر زیبا و تفرجگاههای بکر و بدیع بهشتی است. مؤمنانی که در این آسمان خراش ها زندگی می کنند، توفیق تماشای مناظر بهشتی را دارند.

این غرفه ها، در حد نهایت زیبایی و استحکام و مهندسی فوق العاده است.

سهل بن سعد از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرموده اند:

اهل جنّت، ساکنین غرفه های بهشت را می بینند، همان طور که

1- تفسیر نور، ج8، ص287 .

شما در دنیا ستارگان را در آسمان مشاهده می کنید.(1)

علی علیه السلام هم فرموده است: اهل بهشت منزل های شیعیان ما را مشاهده می کنند، همان طور که انسان ها در دنیا ستارگان را می نگرند.(2)

1 جامع الاصول، ج 11، ص 150 .

خانه های بهشتی (247)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره غرفه های بهشتی فرموده اند:

«همانا در بهشت غرفه هایی وجود دارد که ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش پیداست...».(3)

ص:225

1- جامع الاصول، ج 11، ص 150 .
2- لئالی الاخبار، ص 415 .
3- بحار الانوار .

هرچه دلشان بخواهد، آماده است!

از نعمت های بزرگ بهشتی دیگر آن است که در بهشت، هرچه دل

بهشتیان بخواهد، برایشان مهیا است.

در دنیا، بسیار شنیده اید و شنیده ایم که گفته اند: دلم می خواهد، دل بخواهی، دلم خواست، دلخواه، دلچسب ای کاش مطابق میلم باشد و... این نکته گواه بر آن است که دل انسان نوعا و دائما چیزهایی را طلب می کند و دوست دارد که آن ها را ندارد.

در این دنیا به دلیل محدودیت موجود، امکان برآورده شدن همه خواهش های دل همه انسان ها وجود ندارد؛ اما در بهشت همه بهشتیان به آنچه دلخواهشان است خواهند رسید:

وَ فیها ما تَشْتَهیهِ الْأَنْفُسُ...: و در آنجا (در بهشت) هرچه نفوس را بر آن میل و شهوت است... مهیا است. (1)

هرچه دلشان بخواهد، آماده است (249)

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه نوشته است:

به گفته مرحوم طبرسی در مجمع البیان اگر تمام خلایق جمع شوند تا انواع نعمتهای بهشتی را توصیف کنند، هرگز قادر نیستند چیزی برآنچه در این جمله آمده، بیفزایند. چه تعبیری از این زیباتر و جامع تر؟ تعبیری به گستردگی عالم هستی به وسعت آنچه امروز در ذهن ما می گنجد یا نمی گنجد، تعبیری که مافوق آن تعبیری نمی توان یافت.

مفسر تفسیر نور در این باره آورده است:

1- 71 / زخرف .

نعمت های بهشتی اقسام مزایا را دارا است: همه سلیقه ها و چشمها را اشباع

می کند، تنوع دارند، زیبا هستند، مطابق میل هستند و چشم از دیدن آنها خسته نمی شود. (1)

رهایی از دوزخ

یکی از نعمت های دیگری که شامل حال بهشتیان می شود، درهایی از عذاب دوزخ است. این موضوع وقتی کاملاً مشخص می شود که بدانیم همه انسان ها باید وارد دوزخ شوند و سپس از آن رهایی یابند.

وَ اِنْ مِنْکُمْ اِلاّ وارِدُها کانَ عَلی رَبِّکَ حَتْما مَقْضِیّا. ثُمَّ نُنَجِّی الَّذینَ اتَّقُوْا...

و هیچ کس از شما باقی نمی ماند مگر اینکه باید وارد دوزخ شود و این حکم

ص:228

1- تفسیر نور، ج 10، ص 473 .

رهایی از دوزخ (251)

حتمی پروردگار توست، پس از ورود همه در دوزخ، ما پرهیزکاران را از جهنم نجات خواهیم داد... .(1)

در آیه 56 سوره دخان خداوند سبحان اشاره به حفظ مؤمنان بهشتی از آتش دوزخ و نجات دادن آنها فرموده است:

وَ وَقیهُمْ عَذابَ الْجَحیمِ. فَضْلاً مِنْ رَبِّکَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ

و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ خواهد کرد و این فضل پروردگارت به آنهاست که در حقیقت پیروزی بزرگی برایشان است!

مفسر تفسیر نمونه ذیل آیه 56 سوره دخان آورده است:

(252) بهشت و جهنم

کمال این نعمتها در این است که احتمال عذاب فکر و مجازات، ذهن بهشتیان را

1- 71 و 72 / مریم .

به خود مشغول نمی کند و آنها را نگران نمی سازد.

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

تقوا یگانه راه نجات از دوزخ است. دوزخ گذرگاه تقواپیشگان و اقامتگاه ستمکاران است(1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند: همه مردم وارد آتش می شوند، آنگاه به میزان اعمالشان (تند یا کند) از آن خارج می شوند. گروهی مثل برق جهنده، عده ای مثل باد رونده، جمعی مانند اسب دونده و دسته ای مانند دویدن مرد و عده ای مانند

رهایی از دوزخ (253)

مانند راه رفتن عادی از دوزخ خارج می شوند. (2)

1- تفسیر نور، ج 7، ص 72 .
2- نورالثقلین ذیل آیه مربوطه .

ملاقات و همنشینی با والدین و فرزندان

یکی از نعمت های بزرگ دیگر بهشتیان این است که آنها به دیدار سایر مؤمنان و فرزندان و پدران و مادرانشان نایل می شوند:

وَالَّذینَ امَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِایمانٍ اَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ ما اَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَیْ ءٍ کُلُّ امْرِءٍبِما کَسَبَ رَهینٌ

و آنهایی را که ایمان آورده و فرزندانشان به پیروی از آنها ایمان اختیار کرده اند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنها ملحق می کنیم و از عمل

آنها (نیز) چیزی نمی کاهیم و هرکس در گرو اعمال خویش است.(1)

در این باره ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

وقتی انسان وارد بهشت می شود سراغ پدر و مادر و همسر و فرزندانش را

1- 21 / طور .

می گیرد، به او می گویند: آنها به درجه و مقام و عمل تو نرسیده اند. عرض می کند: پروردگارا! من برای خودم و آنها عمل کرده ام! آنگاه دستور داده می شود که: آنها را نیز به او ملحق کنید. (1)

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

ملاقات و همنشینی با والدین و فرزندان (255)

خداوند تبارک و تعالی اطفال مؤمنان را تحت تکفّل ابراهیم علیه السلام و ساره قرار داده که آنان را به وسیله درختی از بهشت غذا می دهند... هرگاه قیامت شود به آنها لباس می پوشاند و آن ها را معطر می کنند و به عنوان هدیه برای پدرانشان می برند. سپس حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود.(2)

1- تفسیر مراغی، ج 27، ص 26 .
2- مَنْ لا یَحْضُرُهُ الْفَقیه، ج 3، ص 316 .

لباس های بهشتی

بهشتیان انسان های شریف و بزرگواری هستند. به همین جهت از بهترین انواع لباس ها از جهت کیفیت و کمیت استفاده می کنند:

وَ لِباسُهُمْ فیها حَریرٌ. و لباسشان در آنجا از حریر است. (1)

و نیز: یَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ اِسْتَبْرَقٍ... آنها لباس هایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند.(2)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

«سندس» به پارچه ای ابریشمی نازک و لطیف می گویند و بعضی، قید زربافت را نیز به آن افزوده اند.

1- 23 / حج .
2- 53 / دخان .

«استبرق» به معنی پارچه های ضخیم ابریشمی است. ... و این ها اشاره به

لباس های متنوع و گوناگون بهشتی است.(1) بدین ترتیب در بهشت، (مؤمنان) زیباترین (و گرانبهاترین و قشنگ ترین) لباس هایی که در دنیا از آن محروم بودند را به تن می کنند... اگر در این دنیا (بخاطر دوری از غرور و غفلت و تضییع حق دیگران) از پوشیدن این گونه لباس ها ممنوع بودند، در آخرت که این مسائل مطرح نیست این ممنوعیت ها برداشته شده و جبران می گردد. (2)

لباس های مؤمنان در بهشت در نهایت تنوع، لطافت، پاکیزگی و زیبایی است. منظره لباس های قشنگ بهشتیان و حظ بصر از چنین مناظری نیز یکی دیگر از

زیبایی های بهشت است.

1- تفسیرنمونه،ج 21، ص 211 .
2- تفسیر نمونه، ج 14، ص 57 .

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در معراج... وقتی وارد بهشت شدم درختی دیدم که به آن درخت حله ها و زیورهای بهشتی بود. در میان شاخه های این درخت حوریه هایی بودند و در زیر آن، اسب های ابلق بهشتی و در بالای این درخت رضا و خشنودی حق تعالی بود.

گفتم:ای جبرئیل! این درخت از آن کیست؟

گفت: برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب.

وقتی حق تعالی امر فرماید که مردم را وارد بهشت نمایند، شیعیان علی علیه السلام را نزد این درخت می آورند و از این حله ها و زیورها به آن می پوشانند و بر اسب های ابلق سوار می شوند... .(1)

لباس های بهشتی (259)

همچنین از روایت استفاده می شود که رنگ لباس های بهشتی سبز است.(2)

1- حیات القلوب، ج 2، ص 303 .
2- امالی .

فهرست منابع

1 قرآن کریم

2 نهج البلاغه امام علی علیه السلام

3 تفسیرنمونه آیه ا... مکارم شیرازی و...

4 تفسیر المیزان علامه طباطبایی

5 تفسیر نور حجه الاسلام محسن قرائتی

6 تفسیر راهنما حجه الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی

7 تفسیرنورالثقلین علامه شیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی

8 تفسیر کشاف زمخشری

(261)

9 تفسیرروح البیان شیخ اسماعیل حقی

ص:236

10 تفسیر صافی فیض کاشانی

11 دانستنی های قرآن مصطفی اسرار

12 فرشته ها عباسعلی کامرانیان

13 تفسیر مجمع البیان طبرسی

14 بحارالانوار علامه مجلسی

15 قاموس قرآن علی اکبر قریشی

16 البرهان فی تفسیرالقرآن بحر ینی

17 وسایل الشیعه حر عاملی

18 پیام قرآن مکارم شیرازی

(262)

19 مثنوی معنوی مولوی

20 توحید صدوق

ص:237

21 خصال صدوق

22 تفسیر برهان سیدهاشم بن سلیمان بحرینی

23 اسرار معراج علی قرنی گلپایگانی

24 تفسیر لاهیجی شریف لاهیجی

25 تفسیر عیاشی محمد بن مسعود سمرقندی تمیمی

26 تأویل الایات الظاهره شرف الدین سیدعلی حسین استرآبادی

27 فرهنگ ائمه از دیدگاه قرآن عبدالصمد ساکی

28 تفسیر قرطبی قرطبی

(263)

29 تفسیر درالمنثور سیو طی

30 تفسیر فخر رازی امام فخر رازی

31 مفاتیح الغیب امام فخر رازی

ص:238

32 ارشاد القلوب حسن بن ابی الحسن الدیلمی

33 فروع کافی کلینی

34 صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام

35 صحیفه نور امام خمینی «ره»

36 چهل حدیث امام خمینی «ره»

37 عدل الهی استاد شهید مرتضی مطهری

38 شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری

(264)

39 تفسیر القرآن الکریم صدرالمتألهین

40 تفسیر موضوعی قرآن آیه اللّه جوادی آملی

41 معارف قرآن محمد قطب

ص:239

(265)

(260)

فهرست مطالب

(266)

ص:240

فهرست مطالب

فهرست مطالب

(268)

ص:242

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(269)

ص:243

فهرست مطالب

موضوع صفحه

ص:244

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(271)

ص:245

فهرست مطالب

(272)

موضوع صفحه

ص:246

فهرست مطالب

(273)

موضوع صفحه

ص:247

فهرست مطالب

موضوع صفحه

ص:248

(275)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(278)

ص:251

ص:253

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109